

ماهنامه دینی، اجتماعی و حقوقی اهل سنت

سال اول/ شماره ششم/ شهریور ۱۳۹۵

۶

چرا اعدامم کردند؟!


ردیه کاوه شریفی بر اعترافات تحت شکنجه


دل نوشته حسنا رحیمی برای پدرش


مختصری از شهدای اعدامی

بسم الله الرحمن الرحیم

سنت

ماه

اولین نشریه مستقل

راوی

ماهنامه دینی، اجتماعی و حقوقی اهل سنت
سال اول – شماره ششم – شهریور ۱۳۹۵

ذوالقعده - ذوالحجه - ١٤٣٧
August - September 2016



فهرست

سخن حکیمانه



وَ لاَ تَحْسَبَنَ الَّذِینَ قُتِلُوا فِي
سَبِیلِ اللَّهِ أَمْوَاتاً بَلْ أَحْیَاءٌ
عِنْدَ رَبِّهِمْ یُرْزَقُونَ (آل عمران ۱۶۹)

هرگز کسانی را که در راه خدا کشته شده‌اند، مرده مپندار، بلکه زنده‌اند که نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند.

سرمقاله

چرا اعدامم کردند؟!



عیسی طاهری

درد دل اعدامیان کُرد اهل سنت که در ۱۲ مرداد ماه امسال (۱۳۹۵) توسط نظام آخوندی ایران در زندانی رجایی شهر کرج به جرم سنی بودن به دار آویخته شدند.

درد دلِ آنانی که هنوز در زندان های ولایت فقیه و سیاه چال های آخوندی بسر می برند.

درد دل آنانی که دست و قلمشان شکسته شده و بر زبانشان لاک و مهر است و توان سخن گفتن ندارند و هیچ راهی برای اظهار شکنجه ها و مخوف گاه های ولایت فقیه ندارد.

درد دل همه آنانی که در بند هستند اما همیشه سبز...

اگر اعدامیان اهل سنت، توان سخن گفتن داشتند این پرسش ها را مطرح کرده و پاسخ می دادند!

به چه جرمی اعدام شدم؟

آیا عقیده خلاف نظام آخوندی در ایران جرم است؟

آیا سنی بودن و پیرو سنت پیامبر -صلی الله علیه و سلم- و ابوبکر و عمر -رضی الله عنهما- جرم است و مجازات آن اعدام؟

به کدامین جرم و گناه به دار آویخته شدم؟!!!

بهتر است قضیه زندانی و اعدامم را از ابتدا با هم مرور کنیم، تا صاحبان وجدان بیدار، بدانند که جرمم چه بوده و چرا باید در سرزمین پدریم بر چوبه دار بروم؟

پدر و مادرم که مانند میلیون ها پدر و مادر ایرانی دیگر هستند چرا باید داغ فرزند جوانشان را ببینند تا روزشان سیاه و تار گردد؟

جرمم چه بود و چرا اعدام شدم؟...

وقتی حکم اعدامم صادر شد...

وقتی قرار بود به خاطر عقیده پای چوبه دار بروم...

وقتی با حکم اعدام یاد شعار وحدت افتادم...

وقتی با شعار آزادی و برابری و برادری اهل سنت یاد سخنان آقای خمینی در ابتدای انقلاب افتادم؛ که گفته بود: مارکسیست ها در ابراز عقیده آزادند. با خودم اندیشیدم کسی که به خدا و پیامبر و قرآن ایمان ندارد در ابراز عقیده خود آزاد است من که یک مسلمان سنی مذهب و خدا و پیامبر و قرآنی را قبول دارم که جزو معتقدات نظام رهبری ایران است باید از آزادی بیشتری برخوردار باشم، پس چرا باید اعدامم کنند؟! این اولین سوالی بود که ذهنم را به خود مشغول کرد؟ سوالی که شاید جوابی برای آن نباشد. اما با سعی و تلاش جوابی غیر از انتظار یافتم. جوابی که از دیرباز در لابلای کتاب های چندصد ساله مدفون است.

ما تعدادی از جوانان کُردستان که در مرز و بوم پدری خود مشغول به تحصیل و آموزش باورهای

اهل سنت بودیم...

جوانانی که به هیچ گروه و حزب سیاسی و یا غیرسیاسی وابسته نبودیم...

جوانانی که مرتکب هیچ قتل و جنایتی نشده ایم...

جوانانی که مواد مخدر را نمی شناسیم...

جوانانی که به فکر آینده ملت و مردم کردستان بوده ایم...

جوانانی که دنبال آموزش و تعلیم عقیده صحیح که از مساجد و مدارس دینی سرچشمه می گیرد بوده ایم...

جرم ما جز موارد مذکور چیزی دیگر نیست و جرمم فقط عقیده صحیح و آموزش آن در مساجد کردستان بوده و بس.

چرا و چه شد که از زندان ولایت فقیه سر درآوردم و چه چیزی باعث شد که بر چوبه دار بروم و در راه عقیده ام فدا شوم.

داستانی بس مفصل که باور آن شاید چندان هم آسان نباشد...

کسی که داد وحدت و برادری با اهل سنت را سر می دهد...

کسی که توهین به مقدسات اهل سنت را جرم نابخشودنی می داند...

کسی که خود را ولی امر مسلمین جهان می نامد...

کسی که سخنش با قلبش یکی نیست و نفاق و دورویی از سخنانش موج می زند «آیت الله خامنه ای»

آقای خامنه ای رهبر ایران و ولی امر شیعیان با سخنانش باعث شد تا به زندان بیفتم و در راه عقیده جان دهم و فدای عقیده و دفاع از ناموس پیامبر و یاران وی شوم.

و داستانی که اعدام را برایم رقم زد از آنجا شروع شد که:

آقای خامنه ای رهبر ایران و ولی امر شیعیان با سخنانش باعث شد تا به زندان بیفتم و در راه عقیده جان دهم و فدای عقیده و دفاع از ناموس پیامبر و یاران وی شوم.

آقای خامنه ای در اردیبهشت سال ۱۳۸۸ سفری به استان کردستان داشت وی در سفر به شهرهای مختلف کردستان به ایراد سخنرانی پرداخت که در آن از دستاوردهای انقلاب صحبت کرد.

آقای خامنه ای در سخنرانی خود در شهر سنندج با ایراد سخنرانی و وحدت شیعه و سنی گفت: «آن کسی که ندای تفرقه‌ی بین شیعه و سنی را سر میدهد و به بهانه‌ی مذهب، می خواهد وحدت ملی را به هم بزند، چه شیعه باشد و چه سنی، مزدور دشمن است؛ چه بداند، چه نداند.»

سیل توحیدگرایی و برگزاری کلاس درس توحید و عقیده در مساجد کردستان باعث شد آقای خامنه ای به کردستان سفر کند و در آنجا با سخنان زهرآلود و با مطرح نمودن وحدت شیعه و سنی و تهدید معلمان توحید با ایراد سخنانی چون آنانی

که باعث تفرقه می شوند مزدور دشمن اند، اقدام به دستگیری تعدادی از جوانان و معلمان توحید کرد. که این افراد جز بیان عقاید حقه اهل سنت هیچ جرمی دیگری در کارنامه خود نداشتند. در حقیقت شعار وحدت، همیشه برای سرکوب کردن اهل سنت در سراسر ایران استفاده های زیادی داشته است. از آنجا که در طی قرون متمادی عقیده اهل سنت دستخوش تحریف گران و صوفیان غالی قرار گرفته است و علما و اندیشمندان تابع سنت صحیح پیامبر و صحابه بوده اند که غبار شرک و خرافات را از عقیده کنار زده تا عقیده ناب محمدی دوباره زنده شود. از این روز در هر برهه ای از زمان طرفداران شرک و خرافات دست به دست شیطانیان داده تا سد راه توحید شوند و مانع از گسترش عقیده صحیح نبوی گردند. با وجودی که در منطقه کردستان شرک و خرافات واویلا می کند اما هیچ وقت از طرف اطلاعات و دستگاه های نظارتی دولتی هیچ گونه ممنوعیتی برای آنان وجود ندارد کارهای خلاف شرع و عقل آنان مانند شیشه خواری و کارهای به دور از انسانیت هیچ گونه ممنوعیتی ندارد زیرا دولت می خواهد تا مردم گمراه شوند و به سوی قبر پرستی و خرافات روی آورند و تنها وحشت حکومت

در حقیقت شعار وحدت، همیشه برای سرکوب کردن اهل سنت در سراسر ایران استفاده های زیادی داشته است.

از توحید است و بس، و کسی که پیرو حقیقی اهل سنت و جماعت باشد ناخواسته دشمن وحدت و دشمن انقلاب محسوب می شود.

حکومت آخوندی جهت برچیدن معلمان و منادیان توحید با بکار گیری و دشمنان توحید از صوفیان شیشه خوار گرفته تا افرادی که وابسته به حزب و سازمانی هستند اگر کسی مخالف رای آنان نظری داشته باشد با تهدید و جاسوسی آنان مانع راه توحیدیان می شوند، در محیط کردستان برای ممانعت از راه توحید و یکتاپرستی موانع زیادی است که در قالب اهل سنت مانع از این امر می شوند و چه بسا با نام حزب و یا صوفیان شرک زده به خاطر کساد بازارشان و جاش هایی که ناموس برای آنان اهمیتی ندارد در برچیده شدن بساط توحید ید طولایی دارند و از یتیم شدن فرزندان و بیوه شدن زنان هیچ باک و هراسی ندارند زیرا اکثرا با توحید مشکل دارند و از وجود توحید در منطقه رنج می برند. تمام این ها دست در دست هم داده و خبرتراشی کرده تا به خاطر دین و توحید روانه زندان شوم و بعد از سال ها دوری از پدر و مادر و زن و فرزند بدون ملاقات با خانواده از این دنیا چشم بربندم.

در حکومت دینی که سکان آن در دست آخوند صفوی باشد هر عقیده و ایده ای جرم به حساب می آید و عقاید و آرای مخالف حکومت در صورتی جرم نیست که در ظاهر سنی، بهایی، مسیحی،

کلیمی؛ اما در اجرای دستورات، باید گام به گام آنان حرکت کرد تا این جرم به چشم نیاید و اغمازی صورت گیرد و این هم پایان عمری دارد. و روزی تاریخ انقضای آن به سر می رسد و باید امحاء شود.

وحدت و برادری اهل سنت با شیعه امکان پذیر نیست زیرا بنای عقیده شیعه بر لعن و سب خلفای سه گانه پایه ریزی شده و عقیده اهل سنت بر حب و دوستی آنان. و جمع این دو در پرتو وحدت محال است.

جوانان اهل سنتی که روزانه، روانه زندان ها و سیاه چال های ولایت فقیه می شوند و برچسب هایی چون وهابی، تکفیری، داعشی، محاربه با خدا و غیره به آنان نسبت می دهند جای تعجب نیست زیرا پیش از این با علمای اهل سنت چنین کرده اند و با القاب و برچسب هایی از این قبیل آنان را زندانی و از پای درآورده اند.

جوانان اهل سنتی که روزانه، روانه زندان ها و سیاه چال های ولایت فقیه می شوند و برچسب هایی چون وهابی، تکفیری، داعشی، محاربه با خدا و غیره به آنان نسبت می دهند جای تعجب نیست زیرا پیش از این با علمای اهل سنت چنین کرده اند و با القاب و برچسب هایی از این قبیل آنان را زندانی و از پای درآورده اند.

من اولین زندانی عقیدتی اهل سنت در این مرز و بوم نیستم و لابد آخرین هم نخواهم بود. زندان ولایت فقیه اهل سنت زیادی به خود دیده است، سیاه چال ها، تک سلول و انفرادی و زندان های مخوف ولایت فقیه اهل سنت زیادی را در خود جای داده و بر چوبه دار برده است. و جرم همه آن ها یکی بوده است و بس؛ و آن هم جرم عقیده صحیح و محبت و دوستی با اصحاب و یاران پیامبر. ولایت فقیه همان روافضی هستند که در صدا و سیما و مطبوعات ملی ایران به مقدسات دیگران اهانت می کنند و اهانت به مقدساتم را جزو عقاید لاینفک خود می دانند و برای آن ثواب و اجر بی شماری قائل اند.

رافضیت از بدو پیدایش صفوی تا کنون که در این سرزمین بر عریکه قدرت قرار گرفت از همان ابتدا با قلع و قمع و ریشه کن کردن اهل سنت به پا خواست و تا حد توان اهل سنت را از دم تیغ و شمشیر خود گذراند به خیال این که دیگر اهل سنتی از این مرز و بوم بر نخواهد خواست و کسی پیدا نخواهد شد تا دم از دوستی و محبت صحابه و مادران مومنان بزند.

امروزه ولایت فقیه همان منش و روش صفویت را به شکل مدرن تری در پیش گرفته و با تمام نیرو و توان جهت از بین بردن و نابودی اهل سنت کمر بسته است. صفویت با قتل عام، دست به نابودی اهل سنت زد اما خمینیسم با قتل عام، تفرقه بین اهل سنت و دوری داشتن آنان از عقیده اصیل جهت

نابودی اهل سنت دست به کار است و با ترفندها و توطئه های بیشتر برای نابودی اهل سنت شبانه روز در تلاش است تا عقیده اهل سنت را از این مرز و بوم محو کند.

سوال اینجا است چه چیزی باعث شده تا اهل سنت در ایران آزاد نباشند.

چرا تمام باورهای دینی از آزادی بیشتر نسبت به اهل سنت برخوردارند؟

چرا بیان باورهای اهل سنت در مساجد و تشکیل کلاس جهت معرفی باور و عقیده اهل سنت جرم سیاسی محسوب می شود؟

لازم می دانم جرم بودن باور و عقیده اهل سنت را از کتاب های شیعی ثابت کنم، که چرا سنی بودن جرم است؟ و چرا باید اهل سنت را کشت و قتل عام کرد! و چرا یک سنی حق زندگی ندارد!

سوالاتی که قرن ها پیش درندگانی انسان نما چنین فتواهای وحشی گری صادر کرده اند تا جان هزاران مسلمان را به خطر بیندازند و روزگارانی خوش در این دنیای فانی بسر کنند.

وقتی افرادی چون شیخ مفید، شیخ طوسی، مجلسی، نعمت الله جزائری و دیگران فتوای کفر اهل سنت را صادر کنند...

وقتی قبول نداشتن مهدی شیعه از دیدگاه اینان کفر باشد...

وقتی باور نداشتن به ولایت و امامت امامان دوازدگانه کفر باشد...

وقتی محبت و دوستی با ابوبکر و عمر کفر باشد...

وقتی لعن و نفرین بر یاران پیامبر -صلی الله علیه و سلم- اجر و پاداش داشته باشد...

وقتی ابوبکر، عمر، عثمان، عایشه، حسان بن ثابت و دیگر صحابه و ائمه اربعه چون امام ابوحنیفه و شافعی و مالک و احمد ناصبی باشند و فتوای ناصبی بر آنان زده شود...

وقتی تعریف ناصبی این باشد کسی که ابوبکر و عمر را بر علی برتر بداند او ناصبی است...

وقتی از دیدگاه مفید و طوسی و بحرانی و غیره حکم ناصبی قتل است...

وقتی از دیدگاه خمینی و مفید و مجلسی ناصبی از خوک و سگ نجس تر و پلیدتر است...

وقتی ابوبکر، عمر، عثمان، عایشه، حسان بن ثابت و دیگر صحابه و ائمه اربعه چون امام ابوحنیفه و شافعی و مالک و احمد ناصبی باشند و فتوای ناصبی بر آنان زده شود...
وقتی تعریف ناصبی این باشد کسی که ابوبکر و عمر را بر علی برتر بداند او ناصبی است...
وقتی از دیدگاه مفید و طوسی و بحرانی و غیره حکم ناصبی قتل است...

از قتل و کشتار اهل سنت چه باک است.

جرمم عقیده و باور داشتن به محبت و دوستی یاران پیامبر -صلی الله علیه و سلم- چون ابوبکر و عمر است.

جرمم عقیده به یگانگی خداوند است که فقط از او بخواهم و هیچ کس و هیچ چیزی را با او شریک نکنم.

جرمم باور نداشتن به خرافاتی است که به خورد مردم می دهند.

جرمم باور نداشتن به ولایت و ولی فقیه است که مردم را همچون کودکانی بی عقل و بی تمیز تصور می کند و در تصمیم گیری آنان را بی خردانی خطاب می کند که حق انتخاب ندارند.

باز محمودهایی برخواهند خواست تا صفویت را از روی زمین محو کنند و آزادگی را برای ایران زمین به ارمغان بیاورند و تاریخ شما را به باد فراموشی خواهد سپرد.

جرمم برتری دادن ابوبکر و عمر -رضی الله عنهما- بر علی و دیگر یاران پیامبر است.

جرمم، جرم ضیایی، جرم دامنی و فرساد و مفتی زاده ها است. جرمی که در حکومت ولایت فقیه هیچ عفو و بخششی ندارد و جز چوبه دار راهی دیگر از طرف ولایت مداران توصیه نمی شود.

سخنی با صفوی منشان...

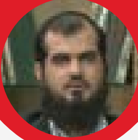
حال آن که راه و رسم شما نابودی و قلع و قمع اهل سنت است و با اعدام و اتهامات دروغین جوانان اهل سنت را پای چوبه دار می کشید. این را بدانید همان طور که صفویت جد اعلای شما نتوانست با اهل سنت به تیغ و شمشیر مبارزه کند و در مقابل آن سلطان محمود افغان، صفویت را خوار و زبون کرد از نسل اهل سنت باز محمودهایی برخواهند خواست تا صفویت را از روی زمین محو کنند و آزادگی را برای ایران زمین به ارمغان بیاورند و تاریخ شما را به باد فراموشی خواهد سپرد. و آنگونه که یادی از فرعون و هامان نیست با ظلمی و ستمی که کردند شما هم مانند آن ها سر به نیست خواهید شد و یادتان از اذهان محو و پاک.

و خطابم به آن دسته از سنی نماهایی است که با همکاری دولت و جاسوسی برای معلمان توحید و علمای اهل سنت پا پوش درست می کنند تا آنان را روانه زندان کنند تاریخ انقضای شما هم پایانی دارد بس تلخ. و از روزی بهراسید که لا ینفع مال ولا بنون. روزی که هیچ مال و نسبی فایده ای ندارد. روزی که نه پارتی است و نه شفاعتی بدون اجازه او پذیرفته می شود.

به امید روزی که توحید سراسر ایران زمین را فراگیرد و نور توحید بر سراسر این مرز و بوم بتابد و خفاشانی که توان نور را ندارند از زمین محو و نابود شوند.

به امید آن روز

شیخ ملا عمران! دعوتگری از جنوب ایرن



سعود عباسی

ایشان علامه شیخ ملا عمران بن علی بن رضوان بن مالک الحارث الشافعی می باشند که در جنوب ایران در روستای گِشه واقع در دو کیلومتری شهرستان بندر لنگه دیده به جهان گشود. خانواده ایشان اهل علم و دین بودند. پدر بزرگ . همچنین پدرشان وظیفه فتوا و قضاوت و خطابت را برعهده داشتند و بعد از فوت پدر بزرگ و پدر، وظیفه قضاوت و فتوا بر عهده ملا عمران افتاد از نظر عقیده بر منهج و عقیده سلف صالح و از نظر فقهی پیرو مذهب امام شافعی بودند و یک حرکت علمی و دینی را در منطقه به وجود آوردند و توانستند تغییرات زیادی ایجاد کنند، در زمانی که شیخ زندگی می کردند جو حاکم بر جنوب ایران و بر تمامی مناطق اسلامی تصوف بود که متاسفانه با خرافات و بدعتها نیز آمیخته شده بود، قبرپرستی و ساختن گنبد و بارگاه بر روی قبر در تمامی جهان اسلام وجود داشت، تا اینکه شیخ محمد بن عبدالوهاب در جزیره العرب شروع به اصلاحات و پاکسازی عقاید و دین از شرک و بدعات و خرافات نمود و دعوتش مورد قبول بسیاری از علما واقع گشت و اگر چه تعداد مخالفانش هزاران برابر بود. به همین سبب مورد هجمه گروههای زیادی از منتسبین به اسلام قرار گرفت به او تهمت های زیادی می زدند، می گفتند: « کسی است که دین جدید آورده، مخالف امامان اربعه است، مخالف محبت به صحابه و اهل بیت بزرگان دین هست، وهابی است و ...» وقتی که این شایعات به گوش شیخ ملاعمران رسید این حرفها را که از مخالفان دعوت ابن عبدالوهاب می شنید قبول نکرد، یکی از خصوصیاتی که ملا عمران داشتند این بود که اهل تحقیق و مطالعه بودند و هر حرفی را به راحتی قبول نمی کردند بلکه در مورد آن به تحقیق و بررسی می پرداختند بخصوص اگر که آن سخن و حرف در مورد امور دین یا دینداران بود. زمانی که در مورد دعوت شیخ محمد بن عبدالوهاب چیزهایی به گوشش رسید تصمیم گرفت که به تحقیق بپردازد و به نجد و حجاز مسافرت کردند مبارزه با خرافات و شرک که امروزه بنام وهابیت مورد سوء ظن و لعن قرار گرفته و تبدیل به حربه و وسیله‌ای برای ترور شخصیتها وترویج و ادامه‌ی بدعت‌گذاری شده، عیناً در کتب معتبر اهل سنت و شیعه نیز موجود و مورد تأیید می‌باشد. پس بدون شک اگر کسی از عقل و انصاف و تقوی بهره‌مند باشد به آسانی تصدیق می‌کند که وهابیت اسمی بی‌مسمی، نامفهوم و بدون مصداق است. البته این نامگذاری و کاربردِ کلمه‌ی وهابی توسط انگلیس رواج پیدا کرد



و قضیه این بود که: وقتی که روشنگری محمد بن‌عبدالوهاب برای یکتاپرستی در عبادت و پرستش خداوند شروع شد و دوباره زمینه‌های توحید الوهیت در میان مردم رشد کرد، در آن زمان هندوستان مستعمره‌ی انگلیس بود و در نهایتِ خرافه‌پرستی و شرک به سر می‌برد. حاجیانی که از هندوستان برای انجام مناسک حج به عربستان می‌آمدند کم‌کم در آنجا با این افکار و عقاید صحیح اسلامی آشنا شدند و دوباره در صدد تصحیح عقاید و باورهای خود به خدا و قرآن برآمدند، به همین خاطر آنها نیز با برگشتن به کشورشان شروع به ترویج این دعوت توحیدی در میان مردم کردند و انگلیس از این نظر احساس خطر می‌کرد زیرا می‌دانست که این دعوت یک بیداری اسلامی قوی، پابرجا و رستگار است. به همین دلیل در صدد چاره‌جویی برآمد و مثل همیشه خواست از دسیسه‌های مکارانه‌ی انگلیسی استفاده کند و برچسبی بر این دعوت بزنند، شایع کرد که این دعوت، دعوتی

این بود که شیخ تبدیل به یکی از حامیان اصلی محمدبن عبدالوهاب گشت، با محمد بن عبدالوهاب همراه شد و در راه بازگویی حق و حقیقت تلاش فراونی انجام داد، تمامی تلاش خود را برای از بین بردن اباطیل وارد شده به دین اسلام به خرج داد،

اسلامی و الهی نیست، بلکه دعوتی وهابیست و آن را منتسب به اسم پدر محمد که عبدالوهاب بود، کرد. اما در اصل باید دعوت را به اسم صاحب دعوت می‌کرد و صاحب این دعوت هم محمد بود نه عبدالوهاب پدرش، ولی انگلیس می‌دانست اگر بگوید این یک دعوت محمدی است در ذهن مردم نمی‌تواند ایجاد شبه کند، پس شایع کرد که این دعوت، دعوتی وهابیست و آن را منتسب به اسم پدر محمد، که عبدالوهاب است، کرد. و علاوه بر انگلیس، روافض و تصوف می خواستند - هنوز هم ادامه دارد- که با چماق و برچسب وهابیت به ترور دانشمندان و آگاهان مبارز و نستوه اهل سنت و جماعت اقدام نمایند. ملاعمران در سفر خود و ملاقات با محمد بن وهاب حقیقت را دریافت و حرکت محمد بن عبدالوهاب مورد تأیید ایشان واقع شد و فهمید که واقعا این یک حرکتی است که مردم را به یگانه پرستی فرا می خواند و نه باید هیچ معبودی به جز الله پرستش شود و فهمید که محمد بن عبدالوهاب در باب شناخت الله و اسماء و صفات نیز همان چیزهایی را میگوید که علمای سلف بیان می داشتند این بود که شیخ تبدیل به یکی از حامیان اصلی محمدبن عبدالوهاب گشت، با محمد بن عبدالوهاب همراه شد و در راه بازگویی حق و حقیقت تلاش فراونی انجام داد، تمامی تلاش خود را برای از بین بردن اباطیل وارد شده به دین

اسلام بـه خـرج داد، در واقـع خـود ایشـان در سـرزمین نجـد و حجـاز تبدیـل بـه یـک دعـوت گـر شـده بـود کـه بـرای ابـراز حـق در بیـن مـردم روشـنگری مـی کـرد، سـالهای زیـادی از عمـر خـود را در ایـن راه سـپری کـرد، امـا بـاز هـر انسـانی خـود را دوسـت دار و منتسـب بـه سـرزمینی مـی دانـد کـه در آن زاده شـد و کودکـی اش را سـپری کـرده اسـت، و وقتـی کـه شـیخ ملاعمـران در خـود احسـاس پیـری کـرد مشـتاق بازگشـت بـه وطـن خـود بندرلنگـه شـد و بـه آنجـا بازگشـت، زمانـی کـه بـه بندرلنگـه بازگشـت و دعـوت خـود را در آنجـا آغـاز کـرد مـورد هجـوم بسـیاری از مخالفیـن عقیـده سـلف ماننـد جهمیه و ملحدیـن و مخالفـان حرکـت محمدبـن عبدالوهـاب قرار گرفـت و بـه عنـوان مسـخره و اسـتهزاء بـه ایشـان لقـب وهابـی میدادنـد، دادن ایـن لقـب از طـرف دشـمنان توحیـد و نـان خورهـای خرافـات بـود تـا مسـلمانان را از روشـنگریهای ایشـان بهراسـانند وگرنـه ایشـان از نظـر فقهـی خـود را پایبنـد بـه مذهـب امـام شـافعی معرفـی کـرده انـد. شـیخ در مقابـل همـه اینهـا ایسـتاد و در پاسـخ بـه شـبهات جهمیـه و مخالفـان یـک منظومـه شـعری سـرود،

ایشـان توانسـت در بندرلنگـه حرکـت علمـی ایجـاد کنـد و شـاگردان خوبـی را بعـد از خـود تربیـت نمایـد، ایشـان در سـال ۱۲۸۰ هجـری قمـری در بندرلنگـه وفـات نمودنـد. امـا آن منظومـه شـعری کـه مـلا عمـران سـرودند تبدیـل بـه یـک گوهـر و اثـر درخشـانی شـد کـه تـا زمـان حـال باقـی مانـده و همیـن شـعر نـام ایشـان را همیشـه مانـدگار قـرار داده، بسـیاری از علمـای اسـلامی بخصـوص کسـانی کـه پیـرو مذهـب سـلف هسـتند ایـن شـعر را از حفـظ هسـتند و حتـی شـرحهایی نیـز بـر آن نوشـته شـده یـا کسـانی دیگـر از علمـا و شـاعران شـعرش را تکمیـل کردنـد و دیـوان شـعر ایشـان کـه بـه عربـی اسـت در کشـورهای عربـی بـه چـاپ رسـیده اسـت. یـادش گرامـی بـاد. در ادامـه، قسـمت اصلی شـعر مـلا عمـران کـه معـروف اسـت بـه «أنـا المقـر باننـی وهابـی» را بـا ترجمـه آن مـی آورم:

اگروهابی بودن پیروی از احمد است من اعتراف میکنم که وهابی ام.
انکار میکنم که خدا شریک دارد من فقط پرودگار بخشنده را می شناسم نه به گنبد باید امید داشت و نه به بت و نه قبر می تواند اسباب باشد.

إن كان تابع أحمد متوهبا
فأنا المقر بأنني وهابي
اگروهابی بودن پیروی از احمد است
من اعتراف میکنم که وهابی ام.
أنفی الشریک عن الإله فلیس لی
رب سوی المتفرد الوهاب
انکار میکنم که خدا شریک دارد
من فقط پرودگار بخشنده را می شناسم
لا قبة ترجی ولا وثن ولا
قبر له سبب من الأسباب
نه به گنبد باید امید داشت و نه به بت و

نه قبر می تواند اسباب باشد.

کلا ولا حجر ولا شجر ولا

عین ولانصب من الأنصاب

هرگز نمی توان از سنگ و درخت و

نه از شخصی و مجسمه ای یاری جست

أیضا ولست معلقا لتمیمۀ

أو حلقۀ أو ودعۀ أو ناب.

همچنین تعویذ بر خود آویزان نمی کنم

و حلقه و بندی بر خود نمی بندم.

لرجاء نفع أو لدفع بلیۀ

الله ینفعنی ویدفع ما بی.

برای رسیدن فایده یا دفع بلا

فقط الله به داد من می رسد و شر را از من دور می کند.

والابتداع وکل أمر محدث

فی الدین ینکره أولو الألباب.

بدعت و ایجاد نور آوری

در دین را عاقلان رد می کنند

أرجو بأنی لا أقاربه ولا

أرضاه دینا وهو غیر صواب.

امیدوارم من به این کارها نزدیک نشوم

راضی نیستم دینم باشد چون درست نیست.

وأعوذ من جهمیۀ عنها عتت

بخلاف کل مؤول مرتاب.

و پناه می برم از جهمیه که سرکش هستند

برخلاف تأویل کنندگان شک کننده.

والاستواء فإن حسبی قدرۀ

فیه مقال السادۀ الأنجاب.

نظرم در مورد استوا این است که بر اساس قدرت اوست

در مورد آن بزرگان نیک کردار سخن ها داشتند

الشافعی ومالک وأبی حنیـ

ـفۀ وابن حنبل التقی الأواب.

بزرگانی چون شافعی و مالک و ابوحنیفه

و ابن حنبل این افراد با تقوا و پرهیزگار.

وبعصرنا من جاء معتقداً به

صاحوا علیه مجسم وهابی.

در زمان ما شخصی پیدا شد که همان اعتقاد را داشت

فریاد زدند که به جسم بودن خدا اعتقاد دارد و وهابی است.

جاء الحدیث بغربۀ الإسلام فلْـ

ـیَبْکِ المحب لغربۀ الأحباب.

حدیث در مورد غریب شدن اسلام آمده

پس دوستداران برای غربت محبوبانشان بگریند.

فالله یحمینا ویحفظ دیننا

من شر کل معاند سباب

الله ما و دین ما را

از شر هر مخالف توهین کننده حفظ کند.

ویؤید الدین الحنیف بعصبۀ

متمسکین بسنۀ وکتاب.

و دین یکتاپرستی را بوسیله گروهی که

پایبند به قرآن وسنت هستند حمایت کند.

لا یأخذون برأیهم وقیاسهم

ولهم إلی الوحیین خیر مآب.

آن کسانی که به رای و قیاس عمل نمی کنند
بلکه دو مصدر وحی برای آنها بهترین مرجع هست.
قد أخبر المختار عنهم أنهم
غرباء بین الأهل والأصحاب.
رسول الله درباره آنها خبر داده بود که
حتی در بین اهل و نزدیکانشان غریبه هستند.
سلکوا طریق السالکین إلی الهدی
ومشوا علی منهاجهم بصواب.
راه کسانی که بر هدایت هستند را پیمودند
و بر روش آنها به خوبی عمل کردند
من أجل ذا أهل الغلو تنافروا
عنهم فقلنا لیس ذا بعجاب.
به همین خاطر کسانی که در دین غلو کردند
با آنها مخالفت کردند، جای تعجب نیست.
نفر الذین دعاهم خیر الوری
إذ لقبوه بساحر کذاب.
اشرف مخلوقات کسانی را دعوت کرد که از وی فرار می کردند
و به ایشان لقب جادوگر دادند.
مع علمهم بأمانۀ ودیانۀ فیه
ومکرمۀ وصدق جواب.
در حالی که می دانستند که وی امانت دار و اهل دین است
و انسان محترم و راستگو است
صلی علیه الله ما هب الصبا
وعلی جمیع الآل والأصحاب
صلوات خداوند بر رسول الله باد از اول صبح
و بر تمامی آل و اصحاب ایشان.

مصادر:
* کتـاب: الهدیـۀ السـنیۀ فـی التحفـۀ الوهابیـۀ النجدیـۀ رقـم الصفحـۀ: ۱۱۵تألیـف: مجموعـۀ مـن المؤلفیـن - الناشـر: مکتبـۀ التوفیـق - الطبعـۀ: بـدون - سـنۀ الطبـع: ۱۳۸۹هــ
* کتـاب: عقیـدۀ الشـیخ محمـد بـن عبدالوهـاب السـلفیۀ وأثرهـا فـی العالـم الإسـلامی الجـزء: ۲ رقـم الصفحـۀ: ۴۳۲تألیـف: صالـح بـن عبـدالله العبـود - الناشـر: مکتبـۀ الغربـاء الأثریـۀ - المدینـۀ المنـورۀ - الطبعـۀ: الثالثـۀ - سـنۀ الطبـع: ۱۴۱۷هـ
* کتـاب تاریـخ لنجـه مولـف الوحیـدی الخنجـی، حسـین بـن علـی بـن احمـد، چـاپ دوم، دبـی: دارالأمـۀ للنشـر والتوزیـع، ۱۹۸۸ میـلادی.

مصاحبه با استاد ابراهیم احراری درباره شهدای اعدامی





خوشحالیم که دعوت ما را برای مصاحبه با این شماره از نشریه پذیرفتید، امیدواریم با موضوعاتی که مطرح خواهیم کرد بتونیم یک بار مفیدی از اطلاعات را به خواننده های نشریه انتقال دهیم.

با توجه به اینکه در ماه اخیر حداقل ۲۹ زندانی اهل سنت اعدام شدند می خواهم مصاحبه را در همین رابطه از اخر شروع کنیم و از اخر ماجرا به قضیه نگاه کنیم دقیقا بگویید در مورد اعدام شدن این افراد چه اتفاقی افتاد؟

استاد احراری: سلام و درود برشما آقای دهواری من هم خوشحالم که می توانم در خدمت شما باشم و امیدوارم مفید واقع شود حالا چیزی که شما می پرسید و بتوانم پاسخ دهم و براساس مبانی صحیح باشد.

اما در مورد سوال اولی که شما مطرح می کنید که از آخر شروع می کنید و اینکه چه اتفاقی اقتاد واقعیت این بود که حداقل نزدیک ۱۷۰ زندانی براساس آمارهای موجود وجود دارد در زندان رجایی شهر از اهل سنت کرد، خراسانی و بلوچ هستند و به خاطر عقیده در واقع زندانی عقیدتی سیاسی هستند و این تعدادی است که حکم اعدام برای آنان صادر شده بود و چند بار حکم در مورد برخی لغو شده، دوباره حکم تایید شده بود

کسی فکر نمی کرد به خاطر عقیده اعدام شوند می شود گفت به خاطر تعصبات مذهبی در داخل ایران دارند اهل سنت و فعالان را به نوعی تحت فشار و آزار روانی و به نوعی شکنجه سفید قرار دهند

اما خبرهایی که می رسید شکنجه های جسمی هم درحد شدید داشتند ضمن اینکه شکنجه هایی درارتباط خانواده های آنها بوده اما یک دفعه که خبر این چنین رسید بالاخره دوستانی که در دسترس آن ها تلفنی بود به خانواده هایی پیام داده بود که دوستان را خبر کنند و من یکی از آنها بودم که گفتند: نیروهای سپاه وارد زندان شده و با وضعیت خیلی بد و ضرب و جرح و حتی بعضی ها روزه بودند ما را بردند و نمی دانستیم چه خواهد شد و احتمال دارد دیگر برنگردیم. ما جدی نمی گرفتیم و نمی توانستیم بپذیریم تا اینکه متاسفانه اعدام آنها اعلام شد. و از طریق قاضی اجرای احکام

با خانواده های آنان تماس برقرار کرده بودند که بیایید و ملاقات آخر را داشته باشید. اما به خانواده ها در مسیر راه خبر داده بودند که آن ها اعدام شده اند و برخی از فعالان اهل سنت ایران هم اعدام آن ها را اعلام کردند و اطلاعات گفته بود بیشتر دست و پا نزنید و سر و صدا نکنید این ها اعدام شده اند. و خانوده ها وقتی جهت تحویل اجساد به زندان رجایی شهر مراجعه کرده بودند جنازه ها را تحویل ندادند و گفتند در بهشت زهرا در قطعات متفاوتی دفن شدند. می شود گفت جامعه اهل سنت با یک فاجعه و تراژدی بزرگ مواجه شد و این شامل جامعه ما نمی شد چه داخل و چه خارج از کشور شوک سنگینی برای سازمان های حقوق بشری که در جریان این پرونده مظلوم بودند.



این ها چه کسانی بودند و برای چه و چگونه دستگیر شدند؟

استاد احراری: نکته ی خیلی مهمی است تعدادی از جوانان اهل سنت فعال که در کردستان طی چندین سال فعالیت عقیدتی و اخلاقی و کلاس های آموزشی در مساجد داشتند و همان گونه که شما هم در جریان هستید و می دانید عملا بعد از انقلاب مدارس دینی کردستان تحت نظارت مرکز بزرگ اسلامی قرار گرفته بود تا جایی که دولت در تلاش بود و مدارس دینی و حجره های مساجد و حتی امامان مساجد را کنترل می کرد و این رو هم بگویم که حکومت از اول انقلاب بعد از درگیری ها و کشتار مردم کردستان توانست با زور و تهدید انجام دهد.

جوانانی که اعتقادشان بر این بود که باید به منهج اصلی قرآن و سنت صحیح براساس فهم صحابه برگردیم و اساتیدی هم در این زمینه چندین سال کار کرده بودند این ها یک فعالیت گسترده ای را در مساجد کردستان، کرمانشاه، آدربایجان غربی شروع کرده بودند فعالیت هم منظم نبود که فعالیت حزبی باشد هر کس براساس توان خود و فهمی که داشت تلاش می کرد و در مساجد و خانه ها کلاس برگزار می کردند و همین کلاس ها سبب می شد که این فعالیت ها گسترده تر بشود عملا شروع به تحت کنترل قرار دادن و دستگیری کردند و تعدادی را مثل شهرام احمدی با تیراندازی زخمی و دیگران را دستگیر کردند در حالی که این ها شب از کلاس برمی گشتند و یک امر عادی است برای کسانی فعالیت های مذهبی و عقیدتی در مساجد داشتند. تا اینکه خامنه ای در سال ۸۸ در سفری که به سنندج دارد مساله ای را به نام سلفیت مطرح می کند که باید با سلفیت مبارزه کرد و جلوی آن را گرفت و توپ را تو زمین اطلاعات و نیروهای امنیتی می اندازد که شما از حالا به بعد دستور قلع و قمع و ذبح این ها رو دارید و متوجه شدند که اگر روند این کلاس ها در مساجد و در سرتاسر کردستان با این سرعتی که شروع شده ادامه پیدا

کند بسیاری از بافته های حکومت و اطلاعات برباد می رفت زیرا این ها جز قرآن و سنت صحیح بر اساس فهم صحابه و اخلاص هیچ سلاح و حتی توقع مادی نداشتند اکثرا کارگر یا کسانی بودند که روز مزد یا تاکسی داشتند یا در جایی با پول اندک زندگی می کردند اما زندگی و زمان خودشان را وقف آموز ش عقیده و مبانی عقیدتی کردند به همین سبب این ها دستگیر شدند و عملا با اعلام تو طئه خامنه ای بود که علیه این فعالیت ها آغاز شد برای اینکه بتوانند نابودشان کنند.

عملکرد دستگاه قضایی در برابر این ها چگونه بود آیا قوانین قضایی و اجرایی عادلانه اجرا شد ؟



استاد احراری: دقت کنید در ایران مطلبی در دادگاه انقلاب به عنوان قوانین قضایی وجود ندارد هر چه که در قانون اساسی یا در کتاب هایی که در بحث قانون مدنی و کیفری و قانون جزایی آمده در بسیاری از موارد یک جریان سمبلیک هست همان طور بسیاری از افرادی که بازداشت شده در ایران و شکنجه اطلاعات و نیروی امنیتی و نظامی قرار گرفتند گفته شده این ها جنبه ی این را دارد که ما بتونیم در برابر جوامع حقوق بشر یا قوانین مدنی دنیا بگوییم ما هم دارای قوانینی هستیم در واقع در دادگاه انقلاب ایران قضات کلا هیچ نقشی ندارند هر چه هست و اتفاق می افتد توسط بازجوبان اطلاعات، شکنجه گران اطلاعات هست و آنها هستند که پرونده را تنظیم می کنند، حکم را معین می کنند و به قاضی دادگاه انقلاب دستور می دهند که او حکم را صادر کند و در مواردی دیگر که قاضی اجرای احکام، حکم را اجرا کند، و هیچ کدام از قوانین و هیچ اصولی که فرد وکیل داشته باشد از حق خودش دفاع کند، فرد دادگاه علنی داشته باشد و بسیاری از موارد دیگری که جز قوانین حقوقی و جزایی ایران هست هیچ کدوم از این ها عملا در ایران اجرا نمی شود هر چه هست و نیست توسط وزارت اطلاعات صورت می گیرد افراد دستگیر می شوند زیر سخت ترین شکنجه ها چیزی که وزارت اطلاعات دیکته کند اعتراف می کنند براساس اعتراف علیه شخص احکامی صادر می شود.

در مورد این بچه ها قوانین قضایی کجا عادلانه!، برای چه افرادی که تا به حال به وزارت اطلاعات بردن و شکنجه کردن و اعتراف گرفتن یا اتهام زدن قوانین عادلانه بوده؟ آیا دستگیری این افراد عادلانه و براساس قوانین کشوری بوده؟ آیا نگهداری این ها در بخش های ویژه و شکنجه وزارت اطلاعات طبق قوانین بوده؟ آیا اذیت و آزار این ها در زندان و شکنجه های آنان جز قوانین بین المللی بوده؟ آیا تهدید خانواده ی این ها و تهدید به تجاوز به ناموس خانواده مثل مادر، خواهر و همسر جز قوانین اساسی ایران و قوانین حقوقی و مدنی و جزایی بوده است؟ آیا تهدید به

کشتن فرزندان این ها جز قوانین حقوقی جزایی یا قوانین امنیتی کشور است؟ کدوم یک از این ها جزو قوانین است؟ یا نگهداری در سلول های انفرادی به صورت شکنجه های سفید یا شکنجه های سخت و سهمگین؛ انتقال این ها از بازداشتگاه های متعدد عدم استفاده از وکیل که اینها ندارند حتی وکیل تسخیری اعلام می کند که ما تا اخرین لحظه هم پرونده را ندیدیم و نتوانستیم حرف بزنیم حتی در دادگاه ها به این ها فرصت داده نشده که در دادگاه بتونند از خودشان دفاع کنند در عرض چند دقیقه قاضی مقیسه حکم اعدام همه ی را صادر می کند و اینها نه تفهیم اتهام شدند و نه توانستند حرف بزنند و مواردی که نشان می دهد نه تنها عدالت اجرا نشده بلکه ظلم و جنایت علیه این ها صورت گرفته است.



چه فعالیت هایی برای این افراد صورت گرفت چه از نهادهای داخلی و چه از نهاد های خارجی منظورم وقتی در زندان بودند چه فعالیت هایی برای آزادی شان صورت گرفت؟

استاد احراری: حقیقتش این که تا مدتها هیچ فعالیتی برای این ها صورت نگرفت چرا تا زمانی که این ها دستگیر شدند به نام گروه های متعدد گروه های تکفیری و گروه های جهادی اعلام کردند دستگیر شدند و بعد خامنه ای فرمانش را در کردستان جهت قلع و قمع این گروه های سلفی صادر کرد، درواقع هدفشان اهل سنت و فعالان اهل سنت بودند یک سناریویی تشکل دادند آن و ترور ماموستا برهان عالی و ماموستا شیخ الاسلام بود به بهانه ی این سناریو تعدادی از بچه ها را دستگیر و متهم کردند و تحت شکنجه های متعدد فیلم های متعدد پخش کردند و عملا اهل سنت ایران و فعالان هیچ آگاهی نداشتند تا زمانی که این بچه ها به زندان رجایی شهر و اوین با تعدادی از زندانیان مدنی و فعالان حقوق بشر و فعالان سیاسی آشنا شدند دردهای خود را مطرح کردند و متوجه شدند که این ها هم حق و حقوقی دارند از طریق آن ها تونستند دردهای خودشان را به بیرون انتقال دهند و به همین نسبت توی این چهار پنج سال رسانه ها و فعالان اهل سنت متوجه شده و این موارد رو اعلام کردند و می شود گفت با یک تاخیری و تاخیر چند ساله ای همه متوجه شدند که چه اتفاقی افتاده و این ها مظلوم بودند و این یه سناریوی نمایشی بوده برای قلع و قمع اهل سنت و تلاش ها شروع شد در رسانه های اهل سنت در همه رسانه ها به تناسب کم یا زیاد از این ها مصاحبه هایی پخش شد فیلم ها و مستنداتی تهیه شد و در سازمان های حقوق بشری فعالیت هایی صورت گرفت حتی آقای احمد شهید مستقیما سعی کرد پرونده های این ها را زیر نظر قرار دهد و دوستانی از فعالان سیاسی مدنی که در زندان یا فعالانی که به دنبال این بودند که

در ایران دوباره رفراندوم رخ دهد و مردم اینده حکومتشان را انتخاب کنند همه این فعالانی که اصطلاحا به عنوان فعالان مدنی شناخته می شوند و فعالان حقوق بشر در ارتباط با این عزیزان تلاش زیادی کردند اما می گویم که جمهور ی اسلامی رغبت چندانی به فعلان حقوق مدنی نشان نداد و توجهی هم به گزارشات سازمان ملل نکرد از طرفی دیگر راه خود را ادامه دادند تا اینکه این بچه ها رو اعدام کردند.



خود زندانیان اهل سنت در زندان چه فعالیتی داشتند؟

استاد احراری: این بچه ها داخل زندان اینطوری می توانیم بگوییم که چون اهل سنت تا حالا تجربه سیاسی و ارتباط با جامعه حقوقی و مدنی و قضایی رو نداشت یعنی همه دوستان ما هر کدم از گذشتگان ما از علامه احمد مفتی زاده تا دیگران وقتی پا به زندان می گذاشتند می گفتند ما خودمان رو به خدا واگذار می کنیم (افوض امری الی الله) مشغول ذکر و دعا و تلاوت می شدند و نهایتا اگه نامه ای به بیرون می دادند یا کتابی ترجمه می کردند یا تحقیقی یا با چند نفری در مورد مسایل عقیدتی یا فکری صحبت می کردند.

این بچه ها چون به صورت جمعی بودند کلاس هایی که در بیرون زندان داشتند دوباره که در زندان برگشته بودند با توجه به اینکه اغلبا در یک بند و یک سالن بودند دوباره این کلاس ها برقرار بود و حتی افرادی که در سطوح علمی بالاتری بهرمند بودند و در بین این ها اساتیدی که در توان تدریس از قدرت بالایی بهرمند بودند و از نظر آموزش علمی به راحتی از نظر تفسیر قرائت قرآن و علوم قرآن و علم حدیث توضیح کتب حدیث و جرح و تعدیل، عقاید در مورد همه مسائلی که معمولا در مدارس دینی تدریس می شود توانستند که زندان را تبدیل به آموزشگاه دینی کنند حتی برادر یکی می گفت که به تنهایی آقای کاوه ویسی شاید ۲۴۰ یا ۳۴۰ رقمی بین ۲۰۰ تا ۴۰۰ شاگرد داشتند که علوم اولیه مثل صرف، نحو، بلاغت، عقیده و معانی را خوانده بودند. و ما متاسفانه کوتاهی کردیم و این ها را ثبت نکردیم و برخی هم در حد تخصص و از این فرصت استفاده کردند ضمن اینکه این ها اکثرا حافظ قران شده بودند و آن هایی که با حفظ قرآن تجربه چندانی نداشتند خارج از زندان، و اکثرا اهل عبادت بودند و این جز مواردی بود که باید بهش توجه می شد و متاسفانه توجه نشد که به این بچه ها چقد ظلم شد و مجرد اینکه این ها با مسایل حقوقی و مدنی و سیاسی آشنا شدند با زندانی های دیگر و تونستند ارتباط برقرار کنند این ها فعالیت خودشان را شروع کردند و صداها و فیلم هایی را ضبط کردند و نوشته هایی را فرستادند مبنی بر اینکه آنچه که از ما گرفته شده تحت اعترافات این ها همه زیر شکنجه بوده



همه دروغ هست و ماجرا را اعلام کردند مخصوصا شهرام احمدی تا آخرین روزهایی که در زندان بود سعی می کرد با فعالان حقوق مدنی ارتباط داشته باشد حتی از روزنانه واشنگتن پست تماس گرفتند که می خواهیم در مورد شهرام احمدی مصاحبه کنیم متاسفانه چون من زبان انگلیسیم قوی نبود برای مصاحبه نتوانستم مصاحبه کنم و گفت آقای شهرام احمدی شما را معرفی کرده که شما در این مورد صحبت کنید و این نشان می دهد که بچه ها فعال بودند به ویژه شهرام اما دیگه مقدارت چیز دیگری بود.



تشکل هایی که صورت گرفت واکنش خود اهل سنت چه بود؟

استاد احراری: بله فعالیت های بچه ها در زندان هر کس در وسع و توانش تلاش کرد به ویژه فعالان مدنی خیلی تلاش کردند بسیاری از کسانی که حتی ما آن ها را نمی شناسیم و چهره های شناخته شده نیستند سعی کردند سخنان این ها را ضبط کردند و به مجامع بین المللی بفرستند. اما انتظاری که از مجامع بین المللی می رفت در برابر ظلمی که به این ها شده از خود عکس العملی نشان نداد. چون انتظار ما بیش تر از این بود چون وقتی در مورد کشتار حیوانات پیش می آید رسانه های کلی مطلب و دفاعیات و گزارش و قطعنامه صادر می شود و در موارد دیگر هم شاهد هستیم اما اهل سنت ایران گویا زیاد مورد بی مهری قرار گرفته اند توجه واقعی به اهل سنت صورت نگرفته است.



واکنش بعد از اعدام از رسانه های خارجی داخلی چگونه بود؟

استاد احراری: در مورد واکنش ها مطلبی که شما اشاره کردید نکته خیلی قابل تاملی است مساله واکنش ها بر می گردد به اینکه اهل سنت هر بار با یک مصیبتی مواجه شده یک فعل و انفعالات درونی پدید آمده و یک کنش برای حرکت به جلو شکل گرفته ما از ابتدای انقلاب با هر اعدامی با هر کشتاری با هر تخریبی از مساجد یا مدارس دینی که مواجه شدیم می بینیم که یک جان تازه ای در پیکره و کالبد اهل سنت دمیده می شود این بار با گسترش بحث رسانه ها و فضاهای اجتماعی و اینترنت و نرم افزارهایی که در گوشی های همراه وجود دارد این ارتباط خیلی گسترده تر عمل شد به این صورت که اولا به سرعت اخبار به همه جا منتقل و جامعه کلا متاثر و نگران نسبت به چیزی که رخ داده، شد و همه ابراز نگرانی کردند و این امر را محکوم کردند و رهبران و علمای اهل سنت که رهبرای کلیدی اهل سنت هم بودند این را محکوم کردند از کاک حسن امینی گرفته که به عنوان قاضی شرع مردمی کردستان هست که بسیار دقیق و عالمانه و حکیمانه محکوم کرد و به دیدار خانواده های اعدامی اهل سنت رفت مولانا عبدالحمید به همین

صورت در نماز جمعه به صراحت اشاره کردند و عدم رعایت حقوقی و جزایی و مدنی در ایران و به ظلمی که به اهل سنت شده و محکوم کردن این روش اعدام ها را و عواقب بدی برای کسانی که این رفتار تند را علیه اهل سنت به کار می گیرند پیش بینی کردند از طرفی دیگر ما شاهد بودیم مولا گرگیج به همین صورت ضمن دفاع از کاک حسن امینی که تحت فشار سیستم اطلاعات قرار گرفت و دو سه روز ایشان تحت بازجویی بود و بسیاری دیگر از علما، مولانا خضری در کردستان یکی از امامان مسجد جمعه که اعتراض کرده بود و در بسیاری از جاهای دیگر، اما در مورد کنش گران مذهبی و مدنی ما شاهد اعتراضات خیلی گسترده بودیم وکلای حقوقی اعتراضات گسترده کردند ما شاهد هستیم حتی دکتر صیفی زاده در مصاحبه با تلوزیون بی بی سی و در صفحه فیس بوک خود به صراحت به این اشاره کرد وکیل ۶ تن از این افراد اقای عثمان مزین هم به همین صورت کاملا این موارد را غیر قانونی و غیر شرعی تعیین کردند. فعالان مدنی، خانم شهره پاکروان مادر ریحانه جباری که به خاطر ناموس اعدام شد، فعالان مدنی در دنیا، سازمان ملل متحد، سازمان حقوق بشر، سازمان دیده بان حقوق بشر، اتحادیه اروپا، اتحادیه علمای مسلمان (رابطه عالم اسلامی)، همه و همه این قضیه را محکوم کردند.

وهنوز هم این محکومیت را ادامه می دهند و از طرفی سبب شد نیروی جدیدی در جامعه اهل سنت با نام فعالان اهل سنت، سازمان حقوق و مدنی اهل سنت برای دفاع از اهل سنت شکل گرفت. و اعلام وجود کرد. با این قضیه رسما فعالیت خود را آغاز نمود. و اعلام داشت: رسما به اینکه ما فعالیت خود را به مناسبت اعدام این عزیزان با توجه به اینکه یک سال کار می کردیم اعلام می کنیم و از این به بعد سعی می کنیم به صورت منسجم تر، دقیق تر مطالب را بایگانی کنیم و اخبار اهل سنت را پیگیری کنیم و همه این ها نشان از این داشت که واکنش جامعه اهل سنت نسبت به این برخورد قوی بود به گونه ای که نظام جمهور ی اسلامی از روزی که این واکنش ها را دیده مضطرب شده و هر روز با یک ترفندی خنثی می کند و الحمدلله هر گامی که بر می دارد جز با شکست و رسوایی چیزی همراه نیست.



ردیه کاوه شریفی بر اعترافات تحت شکنجه



پس از اعدام زندانیان کرد اهل سنت، در شبکه های منتسب به نظام ولی فقیه صحبت هایی از شهید کاوه شریفی پخش شد که مسئولیت ترور ماموستا برهان عالی، تکفیر برخی از شخصیت های اهل سنت و موارد دیگر را بر عهده گرفته است. در متن زیر سخنان کاوه شریفی در دفع اتهامات ساختگی را می خوانید، او می گوید: دو سال برای اعتراف در مقابل دوربین تحت فشار و شکنجه جسمی و روانی بوده است و همه این حرف ها و حتی حالت تکان دادن دست ها بر اساس آن فیلمنامه بوده.

حدودا چند روزیه که پست سر هم مستنداتی پخش میکنه به این عنوان که بنده صحبت میکنم در مورد ترور برهان عالی و این رو نسبت میدم به خودم و دوستانم. در مستند این طور اومده که من خودم رو معرفی می کنم بعد اون شروع می کنم این داستان رو تعریف می کنم.

قبل اینکه شروع کنم به رد دادن این مستند دوست دارم خودم رو معرفی کنم اسم من کاوه شریفی اسم مستعارم ابوبکره و در مناطق اهل سنت در کردستان مشغول دعوت کردن به عقیده یکتا پرستی بودم که بعد از اون دستگیر شدم و حدود چهار پنج ساله که زندان هستم هر چند ماه یه بار وزارت اطلاعات از طریق صدا و سیما یه سری مستندات رو پخش میکنه و بعد از اینکه مستندات رو پخش میکنه شروع میکنه به اعدام چند نفر از مسلمانوی اهل سنت در زندان. مثلا به عنوان نمونه عرض کنم خدمت شما که جریان برهان عالی که من در وزارت اطلاعات زیر شکنجه اینا رو اعتراف کردم و توضیح دادم و چیزی رو گفتم که وزارت اطلاعات از من خواسته بود اینکه داستان ترور برهان عالی رو توضیح میدم در حالی که در اتهام من در برگه بازجویی من این نیومده یعنی در برگه های بازجویی من ترور برهان عالی به عنوان اتهام من نیومده و نه فقط اون، یه سری اتهامای دیگه که من در نوار ویدیویم قبول کردم اصلا در برگه های بازجویم وجود نداره مخصوصا الان که ۴ نفر رو بردن به قزلحصار یکیشون جمشید دهقانی



یکیشون جهانگیر دهقانی و یکشون حامد احمدی و کمال ملایی به این بنده خداها هم همین اتهام رو زدن و ۶ نفر دیگه رو اعدام کردن قبلا. و این شش نفر دیگه هم بازم همین اتهام رو وارد کردن در حالی که نه در برگه های بازجویی و نه در اتهام اونا در دادگاه چیزی به اسم برهان عالی برده نشده و حتی این اتهام به اونا زده نشده و حتی این هم گفته نشده که همکاری داشتند یا خبر داشتند به خاطر اینکه اینها پنج یا ۴ ماه زودتر از مرگ برهان عالی دستگیر شده اند و این اصلا امکان نداره که در چنین قتلی شرکت کرده باشند تا حالا دو سه بار این ها رو پای دار اعدام برده و خونواده هاشونو زیر فشار روحی و شکنجه روحی قرار داده. البته نه فقط ۱۰ نفری که ۶ تاش اعدام شده و ۴ تاش رو برده که اعدام بکنه بلکه تا حالا ۲۱ نفر رو به خاطر برهان عالی به خاطر این شخص تا حالا کشته بعضیا رو اعدام کرده و بعضیا رو با درگیری مسلحانه از بین برده و حتی دو نفر از اونا رو در تلوزیون پخش کرده و بعد از اینکه اونا رو کشته بود و بعدا متوجه شده بود که یکی از جنازه ها رو غلط معرفی کردن لذا به همین خاطر من امروز خودم به این مطلب اعتراف میکنم که من به هیچ وجه در هیچ تروری دست نداشتم و اصلا خبر هم نداشتم ولی متاسفانه وزارت اطلاعات با فشار روحی با اذیت تقریبا سه برگ پشت و رو برای من پر کرد و از من خواست که اینا رو حفظ بکنم و حتی روزی نزدیک دو ساعت تمرین میکردم تا کاملا اینا رو حفظ کردم منو برد پشت دوربین و کلا چیزایی که حفظ کردم رو گفتم و حتی به من میگفتن که دستات رو خوب تکون بده حالت چهره ات شاد باشه که کسی مشکوک نشه که تو در انفرادی بودی یا اذیت شدی خب منم مجبور بودم چیزایی رو که اونا میگن عملا اجرا کنم به خاطر اینکه شرایط سخت دیگه ای برام حاکم نکنن

ولی متاسفانه وزارت اطلاعات با فشار روحی با اذیت تقریبا سه برگ پشت و رو برای من پر کرد و از من خواست که اینا رو حفظ بکنم و حتی روزی نزدیک دو ساعت تمرین میکردم تا کاملا اینا رو حفظ کردم منو برد پشت دوربین و کلا چیزایی که حفظ کردم رو گفتم و حتی به من میگفتن که دستات رو خوب تکون بده حالت چهره ات شاد باشه که کسی مشکوک نشه که تو در انفرادی بودی یا اذیت شدی

در نتیجه شاید این حرفا بازم سبب بشه منو بازم به انفرادی ببرن و اذیت کنن و شکنجه کنن و خودم و خانوادم رو تحت فشار قرار بدن

ولی اگر چیزی شنیدید و اگر صحبتی از من پخش شد کاملا دروغه و حقیقت نداره حتی بعضی مطالب است که من در صحبتام میگویم به هیچ وجه نه جز اتهاماتمه در پرونده و نه به عنوان بازجویی از من بازجویی شده ولی به خاطر فشاری که در اون زمان در وزارت اطلاعات در دوران انفرادی بودنم بر

من وارده شده من مجبور شدم که این صحبتا رو بگم و این چهار نفرم که در اون زمان ما در وزارت اطلاعات با هم بودیم که یکی حافظ قرآنه که یک نفر از اونا که باز هم همیشه اونا رو در حال مطالعه قرآن و حفظ قران دیدم.

و این ها اهل سنت هستند مسلمونایی هستند اهل سنت فقه شافعی. و متاسفانه حکومت و وزارت اطلاعات اینا رو به عنوان تکفیری و اسمهایی که خودش انتخاب کرده معرفی میکنه به خاطر اینکه توجیه داشنه باشه اینا رو اعدام بکنه و به مردم اهل سنت این رو بهشون بگه اینا سنی نیستند بلکه اینا وهابین اینا تکفیرین به خاطر اینکه اینا رو اگه اعدام کرد هیچ سنی یا اهل سنتی در دفاع از اینا بلند نشه

و این ها اهل سنت هستند مسلمونایی هستند اهل سنت فقه شافعی. و متاسفانه حکومت و وزارت اطلاعات اینا رو به عنوان تکفیری و اسمهایی که خودش انتخاب کرده معرفی میکنه به خاطر اینکه توجیه داشنه باشه اینا رو اعدام بکنه و به مردم اهل سنت این رو بهشون بگه اینا سنی نیستند بلکه اینا وهابین اینا تکفیرین به خاطر اینکه اینا رو اگه اعدام کرد هیچ سنی یا اهل سنتی در دفاع از اینا بلند نشه در حالی که این تفکر فقط از طریق رسانه ها میشه و این ۴ نفر من باهاشون بودم نمازشون نماز اهل سنته و دینشون اهل سنته و قرآنشون قران اهل سنته طریقه رفتار و اخلاقشون طریقه رفتار و اخلاق اهل سنته. منتهی با این رفتارا میخوان اینا رو از اهل سنت خارج کنند به این خاطر که راحت بتونه اینا رو اعدام کنه هیچ فرقی نداره این ۴ نفرو اعدام میکنه فردا ۴ نفر دیگه رو اعدام میکنه که متاسفانه این نه وجهه قانونی داره یعنی قانونی که خودتون تعیین کردید و نه وجهه شرعی داره و در دین خدا اومده که اگه کسی مومنی رو بکشه مثل اینکه تمام دنیا رو کشته باشه و هیچ فرقی نمیکنه یه اهل سنتم در بیرون اگه بتونه برای مسلمونا کاری بکنه و این اهل سنت رو از اعدام خارج کنه مثل اینکه تمام دنیا رو خارج کرده از خداوند متعال میخوام راه فرج و راه خروجی رو به مسلمونا نشون بده و به اهل سنت بیرونم این مطلب رو بفهمونه که اهل سنتی که در زندان ایران گیر کردند هم مذهب خودشونن و هیچ فرقی با اونا ندارن.

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته

دل نوشته حسنا رحیمی برای پدرش



حُسنا رحیمی

به نام خدا

دل نوشته حُسنا رحیمی برای پدرش

من حُسنا رحیمی فرزند مختار رحیمی اعدامی عقیدتی اهل سنت، از وقتی که بخاطر دارم مادرم مرا با پدرم آشنا می کرد.

چون مادرم می گوید وقتی هفت ماهم بود پدرم را به جرم تبلیغ دین اسلام و همینطور که پدرم می گفت گفتن دین واقعی و جلوگیری از قبرپرستی و شرک او را دستگیر کردند.

وقتی یه کم پدرم رو شناختم پشت میله های زندان او را دیدم کنار مادرم بدون محبت پدر، بزرگ شدم.

محبت پدرم را فقط پشت گوشی و زندان دیدم اما باز به همان هم دلخوش بودیم

با مادرم امیدوار بودیم به آزادی پدرم.

اما یک روز زنگ زدند و گفتند بیایید برای ملاقات دلخوش رفتم سوار ماشین شدم مادرم تا اونجا همش گریه می کرد دلیل گریه هاش رو نمیدونستم فقط خوشحال بودم میرم پیش پدرم

اما وقتی رسیدیم انجا ما رو بردن قبرستان و دیدم دارن از ماشینهای کسایی رو با پارچه سفید بیرون میارن مادر همش گریه می کرد.

یک نفر آمد و گفت این مختار رحیمی است و گفتن برای آخرین بار ببینیدش ملافه رو برداشتن پدرم آرام خوابیده بود دیگه صدام نمی زد فقط نگاش میکردم مادر میگفت ببین پدرته این دولت اعدامش کرده نگاه کن و یادت بمونه راه پدرت یادت نره

هیچی متوجه نمی شدم آن لحظه آرزو داشتم پدرم بیدار شه تا بردنش و گذاشتنش تو قبر، پدرم را بدون این که ازم خدا حافظی کنه اعدام کردن نذاشتن برای آخرین بار بهش بگم چقدر دوستش دارم و چقدر دلم میخواد باهامون برگرده خونه خونمون خالی تر از قبل شد.



من موندم و یادگاری های پدرم که برای من درست کرده.

همه‌ی دلخوشیم برای برگشتن پدرم تموم شد.

ولی از خدا میخواهم در بهشتش من و پدرم و مادرم رو کنار هم جمع کنند.

پدرم شهادتت مبارک

پاسخ به دخترکوچکم حسنا جان



ابراهیم احراری خلف

با نام همان خدایی آغاز می کنم که پادشاه و فرمانروای حقیقی دنیا وآخرته...

دخترک عزیز و مهربانم حُسنا جان !

دیشب که دلنوشته ات را دیدم به یاد همه کودکان ایران افتادم که چگونه مثل تو , پدرشان را سپاهیان تاریکی از آنان جدا کرده و در سینه های خاک خوابانده !

کودکانی که من آن ها را نمی شناسم ولی همه شان یک درد مشترک دارند : دور شدن از آغوش پدر!!!

دوست دارم حُسنا عزیز برایت بنویسم و البته نامه ای برای همه کودکانی که غم بی پدری بغض هایشان را می فشارد و آرزوی دست نوازش پدر بر سرهایشان را در خواب می پرورانند!!!

دوستم دارم برای همه مادران پیر و پدران کمر خمیده و تنهایی بنویسم که فرزندان و امیدهای آینده شان توسط خفاشان شب پرست در تاریکی ها و دخمه های زندان ها به اسارت در آمده و سرانجام به پای جوخه های مرگ سپرده شده اند!

دوست دارم بنویسم برای جوانانی که چشم امید ما به آن هاست همان قهرمانانی که با شجاعت و غیرتشان ابرها ی سیاه را از مقابل خورشید تابان کنار زده و نور و روشنایی را به ملت ستم دیده ارزانی داشته و داستان های غم و اندوه و اضطراب را به داستان های شادی وآزادی و آرامش بر می گردانند!!!

حُسنا جان ! شاید من و امثال من نتوانیم سالهایی را که در انتظار وصال پدر بودی حس کنیم ! و یا شاید نتوانیم آن لحظاتی که ثانیه شماری می کردی تا به دیدار تکیه گاه زندگیت برسی را درک کرده و تپش قلب کوچک و نگرانت را لمس کنیم! شاید نتوانیم عمق فریاد و اندوهی که از سینه ات به آسمان در دیدار با پدر در کفن پیچیده ات سرکشید را بشنویم! و یا شاید هرگز ارزش مرواریدهای غلطان و سرخت که همچون باران سیل آسا بر گونه های شیشه ای کوچکت می غلطیدند را ندانیم!!

حُسنا جان ! شاید من و امثال من نتوانیم سالهایی را که در انتظار وصال پدر بودی حس کنیم ! و یا شاید نتوانیم آن لحظاتی که ثانیه شماری می کردی تا به دیدار تکیه گاه زندگیت برسی را درک کرده و تپش قلب کوچک و نگرانت را لمس کنیم!

اما بخوبی حالت را درک می کنیم و شرمنده روی



تـو و همـه کـودکان ایـن سـرزمین اشـغال شـده توسط خـون آشـامان زشـت و پلیـدی هسـتیم و بـا هـر تپـش قلـب نـاآرام و کوچکـت، قلـب هایمـان بـه تپـش و فغـان مـی افتـد و بـا تـو عهـد مـی بندیـم کـه نگذاریـم تنهـا بمانیـد.

حُسـنا عزیـز! ایـن را بـدان کـه پـدرت در امتحـان خـدا شـاگرد ممتـاز شـد و بهتریـن جوایـز را گرفـت. پـدرت همیشـه بـه یـادت بـود و برایـت هدایایـی بـا دسـتان خسـته در زنـدان دیـو سـیاه مـی سـاخت تـا شـادی را بـه قلبـت هدیـه کنـد و نگـذارد جادوگـر زشـت قصـه هـا، غمگیـن و ناامیـدت کنـد. ایـن جادوگـر عفریـت و ظاهـر سـاز خیلـی تـلاش مـی کنـد خـودش را شـبیه فرشـته هـا کنـد! امـا هـر کار مـی کنـد نمـی توانـد دنـدان هـای نیـش ترسـناک و چنـگال هـای بلنـدش را پنهـان کنـد. دیگـر نمـی توانـد کسـی را فریـب دهـد... روزی را مـی بینـم کـه مـردم در کوچـه هـا و خیابـان هـا دنبالـش افتـاده و سـنگش مـی زننـد و او فـرار مـی کنـد و تـو و دوسـتانت بهـش مـی خندیـد.

حُسـنا دختـر نـازم! همـه تلاشـت را بـه کار بگیـرد خـوب باشـی و خوبـی را دوسـت داشـته باشـی. از بـدی متنفـر بـاش و همیشـه از آن دوری کـن. از الان یـاد بگیـر فقـط در زندگـی بـه خـدا تـوکل کنـی و بنـده او باشـی همانگونـه کـه پـدرت و دوسـتانش بودنـد. نمازهایـت را سـر وقـت بخـوان و حجابـت را رعایـت کـن. قـرآن کلام خـدا مونـس و همراهـت باشـد نگـذار هیـچ چیـز او را از تـو بگیـرد. بـه مـادرت احتـرام بگـذار و نگـذار تنهـا بماند و احسـاس تنهایـی کنـد و همیشـه غمخـوارش بـاش. ایـن را بـدان هرگز تنهـا نخواهـی مانـد هـزاران قهرمـان بعـد از ایـن، پـدران ایمانـی ات خواهنـد بـود و تـو و دوسـتانت فرزنـدان مـا هسـتید و فراموشـتان نخواهیـم کـرد... دوسـت داشـتم بیشـتر بنویسـم ولـی تـوان بیـش از ایـن را نـدارم فقـط خواسـتم بدانـی کـه تـو و دوسـتانت خدایـی داریـد کـه از میلیـون هـا پـدر و مـادر مهربـان تـر و آگاه تـر و بیـدار تـر هسـت. حـالا کـه پدرانتـان را پیـش خـودش بـرده حتمـا بیشـتر بـه شـما توجـه خواهـد کـرد و هرگـز در ایـن شـک نکـن. پـس خـوب درس بخـوان و همیشـه امیـدوار بـاش و نگـذار دشـمنان پـدرت خوشـحال شـوند.

حُسنا دختر نازم! همه تلاشت را به کار بگیرد خوب باشی و خوبی را دوست داشته باشی. از بدی متنفر باش و همیشه از آن دوری کن. از الان یاد بگیر فقط در زندگی به خدا توکل کنی و بنده او باشی همانگونه که پدرت و دوستانش بودند. نمازهایت را سر وقت بخوان و حجابت را رعایت کن

عمو ابراهیم ۳۱ مرداد ۱۳۹۵



حکومت از بیداری اسلامی وحشت دارد

هرچند مطابق قانون اساسی مسلمانان غیرشیعه درانجام مراسم مذهبی و تعلیم و تربیت دینی و احوال شخصیه (ازدواج ، طلاق ، ارث و وصیت) خود آزاد هستند، اما حدود ۳۰ نفر از اهل سنت کردستان تنها به خطر تبلیغ دین خود - حقی که نه تنها در کنوانسیون‌های بین‌المللی که دولت ایران به آنها پوسته و متعهد به اجرای آن شده، بلکه حتی در قانون اساسی ایران نیز به رسمیت شناخته شده است- تحت اتهاماتی چون تبلیغ علیه نظام به اعدام محکوم شده‌اند.

این البته اولین‌بار نیست که مسلمانان غیرشیعه به خاطر تبلیغ مذهبشان با احکام سنگین مواجه می‌شوند. طبق آخرین گزارش احمد شهید گزارشگر ویژه حقوق بشر در ایران، تا تاریخ ۳ ژانویه ۲۰۱۴ حداقل ۹۸ نفر مسلمان سنی در زندان به سر می‌برند. مانند سایر زندانیان عقیدتی -سیاسی، زندانیان اهل سنت از بسیاری از حقوقی که متهمین و زندانیان عادی برخوردار هستند از جمله حق دسترسی به وکیل و حق دادرسی عادلانه محروم هستند.

مرکز حامیان حقوق بشر

نرگس توسلیان

07/می/2014

متن زیر مصاحبه مرکز حامیان حقوق بشر است با نماینده سی زندانی محکوم به اعدام اهل سنت در زندانهای رجایی شهر، قزل حصار و سنندج.

در خبرها ازعنوان زندانیان اهل سنت نام برده می شود، زندانیانی که همه آنها از منطقه کردستان هستند.

آیا دلیلی دارد که این عنوان به کار برده می‌شود و مثلا گفته نمی شود فعال کرد؟

این افراد که دستگیر شده‌اند مذهبی هستند و اهل کردستان و با گروه‌های فعال دیگر این تفاوت وجود دارد که گروه‌های دیگر سکولار، کمونیست و یا عقاید غیرمذهبی دارند ولی ما نه ، ما سنی مذهبیم و کرد زبان، فعالیت گروه‌های دیگر در کردستان منحصر به مناطق کردنشین است ولی ما از کل سنی‌های ایران دفاع می‌کنیم و قومیت را ملاک قرار نمی‌دهیم. مثلا اهل سنت جنوب یا زاهدان یا گلستان را از خودمان می‌دانیم و در برابر ظلم‌ها و تبعیض‌هایی که که از سوی حکومت بر مناطق اهل سنت ایران وارد می‌شود اعتراض داشته‌ایم ولی در قضیه کردستان بیشتر تاکید کردیم چون حکومت از اوایل انقلاب بر مناطق

اهل سنت مخصوصا کردستان همیشه مورد ظلم و بی‌عدالتی را اعمال کرده و هیچوقت جواب‌گوی خواسته‌های مردم نبوده است.

ما اکثرا مبلغینی بوده‌ایم که در مساجد فعالیت داشته‌ایم و حوزه تبلیغمان در مورد روشنگری مردم کردستان از سیاست‌های ظالمانه و تبعیض‌های حکومتی و دولتی نسبت به خطه‌ی کردستان بوده و جرم اصلی ما سنی بودن و کرد بودنمان است نه چیز خاص دیگری و به حزب و یا گروه خاصی هم ربط نداشته‌ایم چون مناطق غرب کشور شافعی مذهب بوده ولی حکومت از بیداری اسلامی وحشت دارد و می داند این قضیه تنها به کردستان ختم نمی‌شود و به مناطق دیگر اهل سنت بروز کرده است.

آیا بین این افراد همکاری و فکری وجود دارد؟ مثلا عضو یک فرقه یا گروه فکری هستند؟

این افراد جزو جماعت یا گروه خاصی نیستند ولی از نظر مذهب چون ما شافعی‌مذهب هستیم از این نظر هم فکریم.

این افراد (زندانیان محکوم به اعدام) در راستای یک هدف آن هم روشن کردن مردم از خرافات و اینکه نگذارند به اسم دین از مردم سوءاستفاده شود فعالیت‌های مختلفی داشته‌اند ولی در اصل، عقیده امام شافعی رحمه‌الله را در مناطق شافعی‌مذهب تبلیغ کرده‌اند و بیشتر افراد در بیرون زندان همدیگر را نمی‌شناختند و هرکس در یک منطقه فعالیت مذهبی داشته‌اند.

آیا همه افرادی که به عنوان محکومان به اعدام اهل سنت خوانده می‌شوند، از کردستان هستند؟

بله همه اعدامی‌ها از کردستان هستند فقط یک نفر هست به اسم عبدالرحمن سنگانی که بچه تایباد است. افراد فعال دیگری که به حبس‌های طولانی‌مدت محکوم شده‌اند، از کردهای کردستان و آذربایجان غربی و کرمانشاه هم هستند که حکم بیشترآنها بین ۳سال تا ۳۰ سال است. .

دستگیری‌ها از چه زمانی و به چه صورت آغاز شد؟

دستگیری‌ها از اردیبهشت ماه سال ۸۸ هم‌سو با سفر خامنه‌ای به شهر سنندج و پس از سخنرانی وی دراین شهر آغاز شد و بیشتر بچه‌هایی که با مسجد ارتباط داشتند و یا فعالیت‌های سیاسی-مذهبی داشتند در این طرح قرار گرفتند و با مکر و حیله به اسم مبارزه با وهابیت دستگیری‌هایی با شیوه ایجاد رعب و وحشت شروع شد و به این بهانه فعالان عقیدتی سیاسی را دستگیر کردند.

آیا این افراد امکان دسترسی به وکیل را داشتند؟

این افراد همگی در شعبه ۲۸ توسط قاضی محمد مقیسه (معروف به بازجو ناصری) محکوم شده‌اند و از هرگونه حق داشتن "وکیل اختیاری" محروم بودند. مگراینکه وکیلی از جانب خودشان پیشنهاد شده باشد که در غیر این صورت (با داشتن وکیل

اختیاری) موافقت نکرده‌اند. به عنوان مثال مدتی پیش خانواده پنج زندانی به یکی از وکلای حقوق بشری برای وکالت مراجعه کرده بودند که از وکالت ایشان جلوگیری کردند و گفتند که پرونده محرمانه و فوق سری است. البته این برای چندمین‌بار است که مانع کمک گرفتن از وکیل می‌شوند.

آیا از محتوای بازجویی‌های آنها مطلع هستید؟

خیر، چون اکثر بچه‌ها به مدت طولانی در سلول‌های اطلاعات نگهداری شده‌اند و چند برگه را با چشم‌بند با وعده آزادی مهر و امضا کرده اند و یا با شکنجه‌های سخت روحی و جسمی اعترافاتی دروغین از آنها گرفته اند.

بسیاری از محکومان با هم خویشی دارند و مثلا عضو یک خانواده‌اند. آیا از طرف خانواده‌ها اعتراض یا حرکت مشخصی برای گرفتن حمایت (مثلا از علمای سنی) صورت گرفته است؟

از محکومان افرادی هستند که از یک خانواده‌اند؛ مثل برادر، پسر عمو، داماد، پسردایی ... و یک سری هم فقط خودشان‌اند. نکته‌ای که می‌خواهم به آن اشاره کنم این است که بعضی از این افراد اصلا همدیگر را نمی شناخته‌اند ولی داخل یک پرونده قرار گرفته‌اند.

اما به طور کلی باید بگویم که همیشه مورد حمایت خانواده‌هایمان بوده‌ایم و همیشه دنبال کارمان به تهران آمده‌اند و تجمع‌های گسترده‌ای هم داشته‌اند مثلا جلوی دفتر خامنه‌ای، ریاست جمهوری، دادگستری، قوه قضاییه و... با علمای اهل سنت هم در این مورد با کاک حسن امینی در کردستان، مولانا عبدالحمید اسماعیل زهی زاهدان، مولانا محمد گرگیج گلستان، دکتر جلال جلالی‌زاده کردستان و خیلی‌های دیگر حرف زده‌اند و چندین‌بار از زندانیان عقیدتی سیاسی رجایی شهر حمایت کرده‌اند.

آیا شما با گروه یا جماعتی در خارج از ایران ارتباط دارید؟ در خارج از ایران فعالیتی می‌کنید؟

نه ما به گروه و جماعت خاصی ربط نداریم و خارج کشور هم با کسی ارتباط نداریم و کسی را هم نداریم. فعالیت ما هم در مناطق اهل سنت چیز غیر معمولی نیست و همیشه بوده و ادامه هم دارد.

آیا هیچ حمایتی از جانب علمای اهل سنت از شما شده است؟

بله بارها و به کرات علمای اهل سنت و بزرگان اهل سنت در کل مناطق سنی‌نشین از ما دفاع کرده‌اند و درخواستهای زیادی هم به سران قوا نوشته‌اند که متاسفانه هیچ جوابی دریافت نکرده‌اند. نمونه‌اش کاک حسن امینی، مولانا محمد گرگیج، مولانا عبدالحمید اسماعیل زهی، ملا قادر پاوه و خیلی‌های دیگر هستند.

آیا مصادیق اتهام را قبول دارید؟ منظورم خود اتهام (اقدام علیه امنیت ملی و ...)

نیست بلکه منظورم مصادیق اتهام است از قبیل شرکت در کلاس های اعتقادی و سیاسی، نگهداری و خرید و فروش کتاب و ...؟

بله بیشتر بچه‌ها فعالیت مذهبی در مساجد و دانشگاه‌ها و ارگان‌های فرهنگی داشته‌اند که به صورت پخش سی‌دی و کتاب و تبلیغ شرکت در کلاسهای عقیدتی و سیاسی بوده و منکر آن هم نیستند.

نحوه دستگیری به چه صورت بوده است؟

بیشتردستگیرشدگان درمحل کار یا در خانه خود دستگیر شده‌اند و طریقه‌ی دستگیری آنها با ایجاد رعب و وحشت تیراندازی و مورد ضرب و شتم قرار دادن خودشان و خانواده‌هایشان بود. حتی به صورتی که بعضی از افراد به خاطر ضربه‌هایی که به خانواده‌هایشان وارد شده پدر یا مادرشان مریض شده و حتی بعضی از آنها عزیزانشان را از دست داده‌اند. (به‌طورمثال هنگام دستگیری حامد احمدی که در خانه پدریش دستگیر شده با انتهای اسلحه به پشت مادربزرگش کوبیدند و بعد از مدتی این خانم که بعد از ضربه سکته قلبی کرده بود، فوت کرد.)

بعد از دستگیری نیز مورد اذیت و آزار و شکنجه‌های غیرانسانی چه از نظر روحی و جسمی قرار داشته‌اند. همیشه با فشار و تهدید خودشان و خانواده‌هایشان روبه‌رو بوده‌اند. این زندانیان با فشار و تهدید برگه‌هایی را مهر وامضا کرده‌اند و در زندان نیز مورد انواع شکنجه مثل فلک کردن، آویزان کردن، ندادن غذا، اتصال به برق ، تهدید به تجاوز، تهدید آوردن خانواده به اطلاعات و اذیت و آزار خانواده ... قرار گرفته‌اند.

می‌توانید مشخصات افراد دستگیر شده و اتهامات انتسابی آنها را بیان کنید؟

۱.حامد احمدی: اتهام تبلیغ علیه نظام از طریق شرکت در کلاس های اعتقادی و سیاسی ،نگهداری و خرید و فروش کتب اعتقادی اهل سنت و سی‌دی‌های سخنرانی

۲. جمشید دهقانی: اتهام تبلیغ علیه نظام از طریق شرکت در کلاس های اعتقادی و سیاسی، توزیع کتب و سی‌دی‌های دینی.

۳. جهانگیر دهقانی: اتهام تبلیغ علیه نظام از طریق شرکت در کلاس های اعتقادی و سیاسی، توزیع کتب و سی‌دی‌های دینی، برگزاری شعائر دینی که از جانب دولت ممنوع است. (شرکت در نماز عید در وقت مطابق شرع اهل سنت در مصلی خارج شهر)

۴. کمال ملایی: اتهام تبلیغ علیه نظام از طریق شرکت در کلاس های اعتقادی و سیاسی، توزیع کتب و سی‌دی‌های دینی.

۵.کاوه ویسی: اتهام تبلیغ علیه نظام از طریق سخنرانی در مساجد و دانشگاه و مکان های عمومی، برگزاری کلاس های اعتقادی و سیاسی، برگزاری کلاس برای طلاب علوم شرعی و تدریس کتب شرعی برای طلاب.

۶. عبدالرحمن سنگانی: اتهام تبلیغ علیه نظام

از طریـق شـرکت در کلاس هـای اعتقـادی و سیاسـی ،برگـزاری شـعائر دینـی کـه از جانـب دولـت ممنـوع اسـت. (شـرکت در نمـاز عیـد در وقـت مطابـق شـرع اهـل سـنت در مصلـی خـارج شـهر.)

۷. سـید جمـال موسـوی: اتهـام تبلیـغ علیـه نظـام از طریـق در اختیـار قـرار دادن منـزل بـرای برگـزاری کلاس هـای اعتقـادی و سیاسـی، تامیـن هزینـه هـای مصرفـی در امـور تبلیغـات.

۸. بهـروز شـاه نظـری: اتهـام تبلیـغ علیـه نظـام از طریـق توزیـع کتـب و سـی‌دی‌های دینـی، در اختیـار قـرار دادن منـزل بـرای برگـزاری کلاس هـای اعتقـادی و سیاسـی، برگـزاری کلاس هـای اعتقـادی و سیاسـی، شـرکت در دوره هـای طلبگـی.

۹. طالـب ملکـی: اتهـام تبلیـغ علیـه نظـام از طریـق توزیـع کتـب و سـی‌دی‌های دینـی ،شـرکت در دوره هـای طلبگـی، سـخنرانی در مسـاجد، دانشـگاه و مکان‌هـای عمومـی، برگـزاری کلاس‌هـای اعتقـادی و سیاسـی.

۱۰. شـهرام احمـدی: اتهـام تبلیـغ علیـه نظـام از طریـق شـرکت در کلاس‌هـای اعتقـادی و سیاسـی، توزیـع کتـب و سـی‌دی‌های دینـی، در اختیـار قـرار دادن منـزل بـرای برگـزاری کلاس‌هـای اعتقـادی و سیاسـی، تامیـن هزینه‌هـای مصرفـی در امـور تبلیغـات.

۱۱. کاوه شـریفی: اتهـام تبلیـغ علیـه نظـام از طریـق سـخنرانی در مسـاجد، دانشـگاه و مـکان هـای عمومـی، برگـزاری کلاس‌هـای اعتقـادی و سیاسـی، گذرانـدن دوره طلبگـی، جمـع کـردن صدقـات و زکات فطـر و پخـش کـردن آن در میـان فقـرا.

۱۲. آرش شـریفی: اتهـام تبلیـغ علیـه نظـام از طریـق شـرکت در کلاس‌هـای اعتقـادی و سیاسـی، توزیـع کتـب و سـی‌دی‌های دینـی، در اختیـار قـرار دادن منـزل بـرای برگـزاری کلاس هـای اعتقـادی و سیاسـی.

۱۳. پوریـا قـادری فـرد: اتهـام تبلیـغ علیـه نظـام از طریـق شـرکت در کلاس‌هـای اعتقـادی و سیاسـی، توزیـع کتـب و سـی‌دی‌های دینـی، تامیـن هزینـه هـای مصرفـی در امـور تبلیغـات.

۱۴. کیـوان مومنـی فـرد: اتهـام تبلیـغ علیـه نظـام از طریـق شـرکت در کلاس‌هـای اعتقـادی و سیاسـی، در اختیـار قـرار دادن منـزل بـرای برگـزاری کلاس هـای اعتقـادی و سیاسـی، برگـزاری شـعائر دینـی کـه از جانـب دولـت ممنـوع اسـت. (شـرکت در نمـاز عیـد در وقـت مطابـق شـرع اهـل سـنت در مصلـی خـارج شـهر)

۱۵.تیمـور نـادری زاده: اتهـام تبلیـغ علیـه نظـام از طریـق شـرکت در کلاس‌هـای اعتقـادی و سیاسـی، در اختیـار قـرار دادن منـزل بـرای برگـزاری کلاس‌هـای اعتقـادی و سیاسـی.

۱۶. بـرزان نصـرالله زاده: اتهـام تبلیـغ علیـه نظـام از طریـق شـرکت در کلاس‌هـای اعتقـادی و سیاسـی، توزیـع کتـب و سـی‌دی‌های دینـی.

۱۷. عالـم برماشـتی: اتهـام تبلیـغ علیـه نظـام از طریـق شـرکت در کلاس هـای اعتقـادی و سیاسـی ،توزیـع کتـب و سـی دی هـای دینـی.

۱۸. پوریـا محمـدی: اتهـام تبلیـغ علیـه نظـام از طریـق شـرکت در کلاس هـای اعتقـادی و سیاسـی



،توزیـع کتـب و سـی‌دی‌های دینـی در دانشـگاه، تامیـن هزینـه هـای مصرفـی در امـور تبلیغـات دینـی.

۱۹. احمـد نصیـری: اتهـام تبلیـغ علیـه نظـام از طریق توزیـع کتـب و سـی‌دی‌های دینـی، تامیـن هزینـه هـای مصرفـی در امـور تبلیغـات، شـرکت در کلاس هـای اعتقـادی و سیاسـی.

۲۰. ادریـس نعمتـی: اتهـام تبلیغ علیـه نظـام از طریق شـرکت در کلاس هـای اعتقـادی و سیاسـی، توزیـع کتب و سـی‌دی‌های دینـی، نگهـداری و خریـد و فـروش کتـب دینـی و سـی دی هـای سـخنرانی.

۲۱.فـرزاد هنرجـو: اتهـام تبلیـغ علیـه نظـام از طریـق توزیـع کتـب و سـی‌دی‌های دینـی، برگـزاری شـعائر دینـی کـه از جانـب دولـت ممنـوع اسـت. (شـرکت در نمـاز عیـد در وقـت مطابـق شـرع اهـل سـنت در مصلـی خـارج شـهر)، شـرکت در کلاس‌هـای طلبگـی، سـخنرانی در مسـاجد.

۲۲. فـرزاد شـاه نظـری: اتهـام تبلیـغ علیـه نظـام از طریـق شـرکت در کلاس هـای اعتقـادی و سیاسـی، توزیـع کتـب و سـی‌دی‌های دینـی، برگـزاری شـعائر دینـی کـه از جانـب دولـت ممنـوع اسـت. (شـرکت در نمـاز عیـد در وقـت مطابـق شـرع اهـل سـنت در مصلـی خـارج شـهر.)

۲۳.سـید شـاهو ابراهیمـی: اتهـام تبلیـغ علیـه نظـام از طریـق شـرکت در کلاس هـای اعتقـادی و سیاسـی ،توزیـع کتـب و سـی‌دی‌های دینـی در دانشـگاه، در اختیـار قـرار دادن منـزل بـرای برگـزاری کلاس هـای اعتقـادی و سیاسـی.

۲۴. محمـد یـاور رحیمـی: اتهـام تبلیـغ علیـه نظـام از طریـق شـرکت در کلاس‌هـای اعتقـادی و سیاسـی، توزیـع کتـب و سـی‌دی‌های، در اختیـار قـرار دادن منـزل بـرای برگـزاری کلاس‌هـای اعتقـادی و سیاسـی.

۲۵. بهمـن رحیمـی: اتهـام تبلیـغ علیـه نظـام از طریق شـرکت در کلاس‌هـای اعتقـادی و سیاسـی، برگـزاری شـعائر دینـی کـه از جانـب دولـت ممنوع اسـت. (شـرکت در نمـاز عیـد در وقـت مطابـق شـرع اهـل سـنت در مصلـی خـارج شـهر) ،تامیـن هزینه‌هـای مصرفـی در امـور تبلیغـات

۲۶. مختـار رحیمـی: اتهـام تبلیـغ علیـه نظـام از طریـق شـرکت در کلاس‌هـای اعتقـادی و سیاسـی ،توزیـع کتـب و سـی‌دی‌های دینـی، تامیـن هزینه‌هـای مصرفـی در امـور تبلیغـات.

۲۷. صدیـق محمـدی: اتهـام تبلیـغ علیـه نظـام از طریـق شـرکت در کلاس‌هـای اعتقـادی و سیاسـی، توزیـع کتـب و سـی‌دی‌های دینـی، برگـزاری شـعائر دینـی کـه از جانـب دولـت ممنـوع اسـت. (شـرکت در نمـاز عیـد در وقـت مطابـق شـرع اهـل سـنت در مصلـی خـارج شـهر.)

۲۸. عبدالهـادی حسـینی: اتهـام تبلیغ علیـه نظـام از طریـق شـرکت در کلاس‌هـای اعتقـادی و سیاسـی، توزیـع کتـب و سـی‌دی‌های دینـی.

۲۹. محمـد غریبـی: اتهـام تبلیـغ علیـه نظـام از طریق شـرکت در کلاس‌هـای اعتقـادی و سیاسـی،توزیع کتـب و سـی‌دی‌های دینـی، برگـزاری شـعائر دینـی کـه از جانـب دولـت ممنـوع اسـت. (شـرکت در نمـاز عیـد در

وقت مطابق شرع اهل سنت در مصلی خارج شهر.)

۳۰. فرشـید ناصـری: اتهـام تبلیـغ علیـه نظـام از طریـق شـرکت در کلاس‌هـای اعتقـادی و سیاسـی توزیـع کتـب و سـی‌دی‌های دینـی، تامیـن هزینه‌هـای مصرفـی در امـور تبلیغـات.

بلاغ سه حکم اعدام دیگر:

علاوه‌براینهـا، سـه حکـم اعـدام دیگـر در سـال ۹۳ بـرای زندانیـان عقیدتـی اهـل سـنت کـرد بـه شـرح زیـر صادر شـده است:

ابـلاغ حکـم اعـدام **محمـد کیـوان کریمـی** فرزنـد رحیـم متولـد ۱۳۶۲، متاهـل دارای یـک فرزنـد.

امجد صالحی فرزند فایق متولد ۱۳۶۶ متاهل.

امید پیوند فرزند محمود متولد۱۳۶۲

ایـن زندانیـان اهـل سـنت بـه اعـدام محکـوم شـده‌اند و پرونـده آنهـا بـه دیـوان عالـی کشـور ارجـاع داده شـده اسـت . حکـم ایـن سـه جـوان نمونـه‌ای دیگـر از اعدام‌هایـی اسـت کـه جوانـان اهـل سـنت بـه خاطـر عقیـده بـه آن محکـوم می‌شـوند و جـرم آنـان چیـزی جـز سـنی بودنشـان و تبلیـغ در زمینـه عقیـده اهـل سـنت نبـوده اسـت.

همچنیـن دو زندانـی اهـل سـنت دیگـر نیـز بـه صـورت غیـر قانونـی حـدود ۱۶ مـاه در زنـدان قزل‌حصـار نگهـداری می‌شـوند کـه ایـن‌دو از بیماری‌هـای روحـی و جسـمی زیـادی نیـز رنـج می‌برنـد.

یکـی از انهـا سـید هـادی حسـینی اسـت کـه دچـار بیمـاری حـاد تشـنج اسـت و دیگـری صدیـق محمـدی اسـت کـه از ناحیـه چشـم راسـت دارای مشـکل شـدید اسـت و بارهـا از طـرف پزشـک زنـدان لـزوم اعـزام آنهـا بـه بیـرون بیـان شـده ولـی متاسـفانه بـا بی‌توجهـی و بی‌مسـوولیتی مدیـران مربوطـه روبـه‌رو بـوده اسـت و حتـی بنـا بـه اخبـار رسـیده از خانواده‌هایشـان به‌تازگـی مـورد ضـرب و شـتم واقـع شـده و از اعـزام آن‌هـا بـه بهـداری واحـد ۳ زنـدان خـوداری شـده اسـت. همچنیـن بـه دسـتور حسـین قدمـی ریـس واحـد مربوطـه بـه شـدت مـورد شـکنجه‌های روحـی و روانـی قـرار گرفته‌انـد و زمانـی کـه بـه وضـع پیـش آمـده اعتـراض کرده‌انـد بـه وسـیله مامـوران مـورد توهیـن و ضـرب و شـتم قـرار گرفته‌انـد.

در جواب توهین مدیری به طلحه و زبیر رضی الله عنهما

خاشع سربازی

مردکی ویران که مهران نام داشت
منزوی ازحسن و حیران کام داشت
درکثافت ها، بسی آلوده بود
مغز نحسش ازکپک فرسوده بود
سر ز پا در گندگی غرقاب بود
درگمان اینکه کارش ناب بود
آنچه درظرف است تراود هم از آن
زهر باطن خوار سازد جسم و جان
تیر خود سوی صحابه ساز کرد
عقل و دانش از مخش پرواز کرد
حضرت طلحه زبیر، سربلند
تاب نامش را نیاورد دردمند
لعن کرد بر این دو یار نازنین
یاور حضرت محمد ماه جبین
گر هدایت در خور مهران نیست
باغ و جنت بهر این ویران نیست
یاالهی مبتلا سازش به درد
کار وی گردد بکاء و آه سرد
روز خوش هرگز نبیند این مجوس
صوت وی یارب بگردانی خموش

محمد اسلام عبدالزهی

طلحه آن شیر و بشیرش مصطفی
فـــــخر هر مومن دلیر و بـاخدا
همچو سرباز در رکـاب مجتبـــی
شأن او بالاتـر از ایـن دیـــــد ما
شاه نامدار و سعادتمند زبیـــــر
نزد احمد بود عزتـــمند زبیـــر
صاحب فردوس و نامش جـاودان
نزد پیغمبر زبیر دُرّ گـــــــران
راضی از آنهـا خدا و هم رسول
با بشارت گشته انـد هر دو قبول
حـال امـروز دلقـکی نـام آشـنا
شکل او ترسیمی از جرم و گناه
دانشش در حد سیرک و گوره خر
که ندارد از خود و پشتـش خـبر
موهن خورشیدشده این سگ مزاج
دلقک بی شرم دهد کــارش رواج
جای او اسطبل تاریخ شد چنـــین
که ز چشم ملتی افتـــاد زمـین

محکومیت اعدامیان اهل سنت



شیخ‌الاسلام مولانا عبدالحمید، امام جمعه زاهدان

در واکنش به اعدام‌های اخیر عده‌ای از هم‌وطنان کُرد اهل‌سنت در زندان رجایی‌شهر اظهار داشتند: اعدام تبعات منفی بسیار زیادی دارد. با اعدام یک نفر، علاوه بر اینکه زن و فرزندانش بی‌سرپرست می‌شوند و مشکلات زیادی برای آنان به‌وجود می‌آید، سبب ایجاد کینه و کدورت در دل‌ها نیز می‌شود. البته اعدام‌ها تبعات منفی دیگری نیز دارند که بیان همه آنها در این فرصت ممکن نیست.



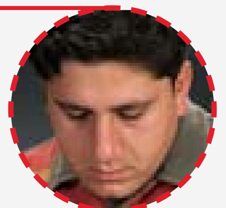
کاک حسن امینی حاکم شرع مردمی کردستان

تعجب از این حیث که مسئولین مربوطه در نهایت بی‌تدبیری عمل کردند و در شرایطی که منطقه ی خاورمیانه در شعله های آتش جنگ‌های فرقه ای و مذهبی می‌سوزد، به جای ایجاد الفت و محبت و وحدت واقعی میان شیعه و سنی، با اجرای احکام اعدام این جوانان، هر چه بیشتر آب به آسیاب دشمنان دین و ملت ریخته و مایه ی ایجاد تفرقه ی هر چه بیشتر میان شیعه و سنی و ملت ایران شدند.



مولوی فضل الرحمن کوهی امام جمعه پشامگ (بلوچستان)

اعدام دسته جمعی صفت فرعونیان است، "به کسی بر نخورد و ناراحت هم نباشد اعدام دسته جمعی صفت فرعونی هست زمانی که فرعون به احساس این که فردی پیدا می شود و حکومت من را به خطر می اندازد همه پسرهایی که متولد می شدند را به قتل رساند."



کمال حسینی نویسنده و روزنامه نگار کرد

«افکار عمومی کردستان به قناعت نرسیده است» که این افراد وابسته به گروه‌های جهادی و تروریستی باشند و مرتکب جنایت و قتل شده باشند.

محکومیت توهین به طلحه و زبیر -رضی الله عنهما-



شیخ‌الاسلام مولانا عبدالحمید، امام جمعه زاهدان

با اشاره به اهانت اخیر صدا و سیما به مقدسات اهل‌سنت و لعن به طلحه و زبیر -رضی الله عنهما- اعتراض به اهانت صورت‌گرفته را متوجه صدا و سیما دانسته و خواستار «عذرخواهی رسمی» صدا و سیما از جامعه اهل‌سنت شدند.



شیخ التفسیر مولانا محمد حسین گرگیج امام جمعه آزادشهر گلستان

اشخاصی که صحابه پیامبر -صلی الله علیه و سلم- را لعنت می کنند خودشان ملعون هستند و ما این افراد را نمی بخشیم ما هم هرگز گذشت نمی کنیم، اینگونه عذرخواهی ها دست افرادی همچون سلمان رشدی و اهانت کنندگان به دین اسلام و پیامبر در دانمارک و فرانسه را بازتر می گذارد.



شیخ محمد صالح خردنیا امام جمعه محله دامایی شهرستان بندرعباس

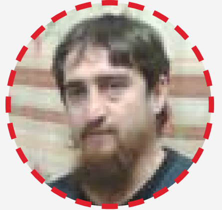
ما اجازه نمی دهیم که فردی بیاید اصحاب پیامبر را مسخره کند و ما حق نداریم در قالب مثال به صحابه توهین کنیم و باید این شخص توبه کند، ضمن محکوم کردن این عمل شبیع و زشت خواستار پیگیری قانونی این مسأله هستیم اعتراض داریم به این مسأله و پیگیری می کنیم تا فرد مجازات شود تا عبرتی باشد برای دیگران تا شاهد تکرار این مسائل نباشیم.



مولانا حبیب الرحمن مطهری مدیر حوزه علمیه احناف خواف، خراسان رضوی

احتراما لازم به ذکر است که توهین به بزرگان و اعتقادات بیش از یک میلیارد مسلمان به شیوه تمسخر و استهزا که در شبکه نسیم و در برنامه دورهمی که توسط مجری آن، آقای مهران مدیری که در آن به دو صحابه بزرگوار رسول الله(ص) صورت گرفت گناهی است نابخشودنی که دل میلیون‌ها مسلمان ایرانی بیننده را جریحه‌دار و دل دشمنان را شاد کرد.

مختصری از شهدای اعدامی



کاوه شریفی: تاریخ تولد: ۱۳۶۳، نام پدر: توفیق، تاریخ بازداشت: ۱۳۸۸/۷/۲، مدت بازداشت: ۲۷ ماه، وضعیت تاهل: مجرد، محل بازداشت: سنندج، اوین، رجایی شهر.



آرش شریفی: تاریخ تولد ۱۳۶۸، نام پدر: توفیق، تاریخ بازداشت: ۱۳۹۰/۴/۲۱، مدت بازداشت: ۱۲ ماه، وضعیت تاهل: متاهل، محل بازداشت: سنندج، اوین، کاشان، رجایی شهر.



مختار رحیمی: تاریخ تولد: ۱۳۶۲، نام پدر: محمد، تاریخ بازداشت: ۱۳۸۸/۷/۲۱، مدت بازداشت: ۲۷ ماه، وضعیت تاهل: متاهل (دارای یک فرزند دختر)، محل بازداشت: سنندج، زنجان، اوین، رجایی شهر.



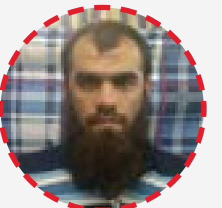
بهمن رحیمی: تاریخ تولد: ۱۳۵۷، نام پدر: محمد، تاریخ بازداشت: ۱۳۸۸/۷/۲۱، مدت بازداشت: ۲۷ ماه، وضعیت تاهل: متاهل (دارای یک فرزند دختر)، زندانی در محل بازداشت: سنندج، زنجان، اوین، رجایی شهر.



محمد یاور رحیمی: تاریخ تولد: ۱۳۶۴، نام پدر: ناصر، تاریخ بازداشت: ۱۳۸۹/۳/۲۲، مدت بازداشت: ۱۸ ماه، وضعیت تاهل: متاهل، محل بازداشت: سنندج، اوین، رجایی شهر.



بهروز شاه نظری: تاریخ تولد: ۱۳۶۴، نام پدر: فتح الله، تاریخ بازداشت: ۱۳۸۸/۲/۲۷، مدت بازداشت: ۳۱ ماه، وضعیت تاهل: مجرد، محل بازداشت: سنندج، اوین، رجایی شهر.

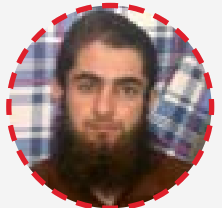


فرزاد شاه نظری: تاریخ تولد: ۱۳۶۷، نام پدر: محمد رئوف، تاریخ بازداشت: ۱۳۸۹/۳/۲۲، مدت بازداشت: ۱۸ ماه، وضعیت تاهل: مجرد، محل بازداشت: سنندج، زنجان، اوین، رجایی شهر .

مختصری از شهدای اعدامی



طالب ملکی: تاریخ تولد: ۱۳۶۴، نام پدر: حسین، تاریخ بازداشت: ۱۳۸۸/۷/۵، مدت بازداشت: ۲۷ ماه، وضعیت تاهل: مجرد، محل بازداشت: سنندج، رجایی شهر، اوین.



شهرام احمدی: تاریخ تولد: ۱۳۶۶، نام پدر: عبدالله، تاریخ بازداشت: ۱۳۸۸/۲/۶، مدت بازداشت: ۳۲ ماه، وضعیت تاهل: متاهل، محل بازداشت: سنندج، اوین، زنجان، رجایی شهر.



پوریا محمدی: تاریخ تولد: ۱۳۶۵، نام پدر: شریف، تاریخ بازداشت: ۱۳۸۸/۹/۸، مدت بازداشت: ۲۴ ماه، وضعیت تاهل: مجرد، محل بازداشت: سنندج، زنجان، اوین، رجایی شهر.



محمد غریبی: تاریخ تولد: ۱۳۶۴، نام پدر: حسن، تاریخ بازداشت: ۱۳۸۹/۳/۲۲، مدت بازداشت: ۱۸ ماه، وضعیت تاهل: متاهل (دارای یک فرزند پسر)، محل بازداشت: سنندج، زنجان، اوین، رجایی شهر.



احمد نصیری: تاریخ تولد: ۱۳۶۰، نام پدر: شریف، تاریخ بازداشت: ۱۳۹۰/۱/۲۸، مدت بازداشت: ۹ ماه، وضعیت تاهل: مجرد، محل بازداشت: سنندج، اوین، رجایی شهر.



سید هادی حسینی: تاریخ تولد: ۱۳۶۱، نام پدر: محی الدین، تاریخ بازداشت: ۱۳۸۸/۴/۱۰، وضعیت تاهل: متاهل (دارای یک فرزند پسر)، محل بازداشت: قزلحصار، جوانرود، سنندج، اوین، رجایی شهر.



صدیق محمدی: تاریخ تولد: ۱۳۶۵، نام پدر: حسین، تاریخ بازداشت: ۱۳۸۸/۳/۴، وضعیت تاهل: مجرد، محل بازداشت: قزلحصار، جوانرود، سنندج، اوین، رجایی شهر.

مختصری از شهدای اعدامی



ادریس نعمتی: تاریخ تولد: ۱۳۶۸، نام پدر: کریم، تاریخ بازداشت: ۱۳۸۹/۱۲/۱۸، مدت بازداشت: ۱۷ ماه، وضعیت تاهل: مجرد، محل بازداشت: سنندج، رجایی شهر، اوین.



عالم برماشتی: تاریخ تولد: ۱۳۵۸، نام پدر: محمد صالح، تاریخ بازداشت: ۱۳۸۹/۵/۳۰، مدت بازداشت: ۱۰ ماه، وضعیت تاهل: متاهل (دارای یک فرزند دختر)، محل بازداشت: رجایی شهر، سنندج، اوین.



برزان نصرالله زاده: تاریخ تولد: ۱۳۷۲، نام پدر: محمد سلیم، تاریخ بازداشت: ۱۳۸۹/۳/۸، مدت بازداشت: ۱۸ ماه، وضعیت تاهل: مجرد، محل بازداشت: رجایی شهر، سنندج، اوین، زنجان، هنگام دستگیری زیر ۱۸ سال.



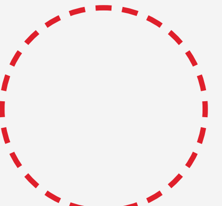
کیوان مومنی فرد: تاریخ تولد: ۱۳۶۱، نام پدر: عبدالله، تاریخ بازداشت: ۱۳۸۹/۳/۲۹، مدت بازداشت: ۱۸ ماه، وضعیت تاهل: متاهل (دارای یک فرزند)، محل بازداشت: سنندج، رجایی شهر، اوین، زنجان.



تیمور نادری زاده: تاریخ تولد: ۱۳۴۴، نام پدر: سیف الله، تاریخ بازداشت: ۱۳۸۹/۳/۲۸، مدت بازداشت: ۱۸ ماه، وضعیت تاهل: متاهل (دارای سه فرزند که یکی از فرزندانش به نام عرفان محکوم به ۸ سال زندان است)، محل بازداشت: سنندج، رجایی شهر، زنجان، اوین.



فرزاد هنرجو: تاریخ تولد: ۱۳۶۸، نام پدر: محمد علی، تاریخ بازداشت: ۱۳۸۹/۱۲/۱۵، مدت بازداشت: ۱۹ ماه، وضعیت تاهل: مجرد، محل بازداشت: رجایی شهر، مریوان، سنندج، اوین.

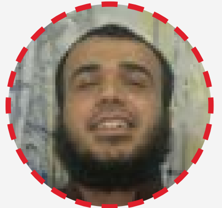


سید جمال موسوی: تاریخ بازداشت: ۱۳۸۷، وضعیت تاهل: مجرد، محل بازداشت: سنندج.

مختصری از شهدای اعدامی



فرشید ناصری: تاریخ تولد: ۱۳۶۶، نام پدر: خلیل، تاریخ بازداشت: ۱۳۸۹/۸/۳۰، مدت بازداشت: ۱۳ ماه، وضعیت تاهل: متاهل، محل بازداشت: سنندج، اوین، زنجان.



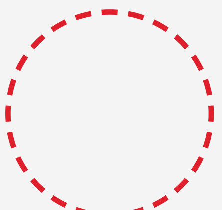
سید شاهو ابراهیمی: تاریخ تولد: ۱۳۶۴، نام پدر: سید منصور، تاریخ بازداشت: ۱۳۸۹/۱/۲۳، مدت بازداشت: ۲۰ ماه، وضعیت تاهل: متاهل، محل بازداشت: رجایی شهر، سنندج، زنجان، اوین.



وریا قادری فرد: تاریخ تولد: ۱۳۷۰، نام پدر: محمد، تاریخ بازداشت: ۱۳۸۹/۳/۴، مدت بازداشت: ۱۸ ماه، وضعیت تاهل: مجرد، محل بازداشت: سنندج، رجایی شهر، زنجان، اوین.



عبدالرحمان سنگانی: تاریخ تولد: ۱۳۵۷، نام پدر: حیدر، تاریخ بازداشت: ۱۳۸۸/۱۲/۲، وضعیت تاهل: متاهل (دارای یک فرزند دختر)، محل بازداشت: تایباد، مشهد، رجایی شهر، اوین.



امید محمودی: تاریخ تولد: ۱۳۶۲، نام پدر: محمد سعید، تاریخ بازداشت: ۱۳۸۹/۲/۱۱، مدت بازداشت: ۲۰ ماه، وضعیت تاهل: مجرد، محل بازداشت: رجایی شهر، سنندج، زنجان اوین.



محمد کیوان کریمی: تاریخ تولد: ۱۳۶۲، نام پدر: رحیم، تاریخ بازداشت: ۱۳۸۹/۳/۲۲، مدت بازداشت: ۱۸ ماه، وضعیت تاهل: متاهل (دارای یک فرزند دختر)، محل بازداشت: سنندج، زنجان، اوین، رجایی شهر.



ماموستا کاوه ویسی (معروف به خالد منصور بلاغی): تاریخ تولد: ۱۳۶۳، نام پدر: ابراهیم، تاریخ بازداشت: ۱۳۸۸/۳/۲۱، مدت بازداشت: ۳۰ ماه، وضعیت تاهل: متاهل (دارای یک فرزند دختر)، محل بازداشت: سنندج، اوین، رجایی شهر.

چکیده اخبار ماه گذشته

کردپا: شلیک مستقیم ماموران انتظامی به کولبران در مرز شهرستان سردشت شش کشته و زخمی بر جای گذاشت.

تاکنون هیچ شخصیت حقوقی و حقیقی در ارتباط به شلیک مستقیم به کولبران و کاسبکاران مرزی کُردستان مورد پیگرد قانونی قرار نگرفته و پرونده‌ی قضایی افرادی نیز که زخمی و یا جان خود را از دست می‌دهند به بهانه «حفظ و صیانت از مرزها» به نتیجه مشخصی نمی‌رسند.

کمپین فعالین بلوچ: به گزارش شاهدان عینی در چابهار روز چهارشنبه ۶ مرداد در اعتراض به جمع آوری دست فروشان در بازار مرکزی خیابان امام دست به اعتراض زده و با ماموران شهرداری و انتظامی درگیر شدند.

ماموران شهرداری برای جمع آوری دست فروشان در خیابان امام روبروی پاساژ اسلامی آمدند اما مردم با تجمع و ایستادن در مقابل آنها مانع از جمع آوری دست فروشان شدند.

مردم بلوچ از فقر و بیکاری شدید رنج می برند.

نماینده پیشین خاش در مجلس شورای اسلامی سال گذشته گفت: ۷۰ درصد مردم بلوچستان زیر خط فقر زندگی می کنند.

کمپین فعالین بلوچ: صبح روز چهار شنبه ۷ مرداد خانه های مردم روستای مراد آباد کمب چابهار توسط ماموران اداره مسکن و شهرسازی با پشتیبانی کلانتری ۱۲ گلشهر چابهار تخریب شدند.

ماموران مدعی شدند که این خانه ها "غیر قانونی" ساخته شده اند. شاهدان عینی گزارش داده اند که ماموران بدون ارایه حکم قضایی اقدام به تخریب منازل مردم کرده اند و به "اعتراض و التماس" ساکنین این روستا توجه نکردند.

کانون مدافعان حقوق بشر کردستان:

صبح روز سه‌شنبه ۱۲ مرداد، حداقل ۲۵ زندانی اهل سنت از جمله شهرام احمدی در زندان رجایی شهر کرج اعدام شده‌اند.

درپی حمله روز دوشنبه گارد ویژه سیاهپوش زندان تعداد ۳۶ زندانی سنی مذهب محکوم به اعدام که در سالن ۱۰ زندان رجایی شهر کرج نگهداری می شدند، با دستبند-پابند و چشم بند و تحت تدابیر شدید امنیتی به سلول انفرادی منتقل شدند. طبق آخرین گزارش حکم ۲۵ تن از این زندانیان اجرا شده است.

اسامی این ۲۵ تن عبارت: از «کاوه ویسی ، طالب ملکی ، بهروز شاه نظری ، کاوه شریفی، آرش شریفی ، کیوان مومنی فر ، وریا قادری ،

چکیده اخبار ماه گذشته

عالم برماشتی ، بهمن رحیمی ، مختار رحیمی ، یاور رحیمی ، شاهو ابراهیمی، امیدپیوند، آدریس نعمتی ، احمد نصیری ، فرزاد هنرجو، امجدصالحی ، محمد غریبی ، شهرام احمدی ، کیوان کریمی ، امید محمودی ، پوریا محمدی به همراه حکمت عراقی ، حمزه عراقی و علی عراقی» که همگی در سحرگاه روز سه‌شنبه ۱۲ مرداد در زندان رجایی شهر اعدام شده اند.

فعالان اهل سنت ایران: در پی اعدام دستکم ۲۱ زندانی در کردستان تشکل «فعالان اهل سنت» به منظور «بلند نمودن صدای مظلومیت اهل سنت» در ایران اعلام موجودیت کرده است، هدف از این تشکل، رساندن ندای مظلومین اهل سنت به جهانیان می باشد.

هرانا: درپی اعدام جمعی دست‌کم ۲۰ زندانی سنی‌مذهب در زندان رجایی شهر کرج، سازمان ملل، اتحادیه اروپا، دولت‌های آلمان و فرانسه ازجمله سازمان‌ها و دولت‌های خارجی، این اقدام دولت ایران را محکوم و مورد انتقاد قرار دادند. زید رعدالحسین کمیسر ارشد حقوق بشر این اقدام را «بی‌عدالتی محض» در ایران خواند و شدیدا انتقاد کرد.

دانش نیوز: محمد احمدی، از تربت جام، رتبه یک کنکور تجربی ۹۵ شد: محمد احمدی در گفت‌وگو با تسنیم در مشهد اظهار داشت: علاقه زیادی به رشته پزشکی داشتم و به همین دلیل امسال در کنکور رشته تجربی شرکت کردم و خوشبختانه لطف خدا نیز شامل حال من شد و رتبه نخست رشته تجربی را کسب کردم. وی بیان کرد: برای کنکور امسال زحمت زیادی کشیدم و بازهم لطف خدا شامل حالم شد، بنده سال سوم رشته مهندسی برق دانشگاه صنعتی شریف بودم و به دلیل علاقه زیادی که به رشته پزشکی داشتم از ادامه تحصیل انصراف دادم.

سنی آنلاین: مهران مدیری، دلقک و طنزپرداز پرحاشیه‌ی صدا و سیمای ایران در برنامه ی «دورهمی» از شبکه "نسیم" پخش می‌شود، دو تن از صحابه بزرگوار پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وسلم را به تمسخر گرفته و به مقدسات و اعتقادات بیش از یک میلیارد مسلمان جهان اهانت کرد.

فعالان اهل سنت ایران: طی ۱۰ روز گذشته ۱۴ شهروند اهل‌سنت در شهرهای مختلف منطقه ترکمن صحرا در استان گلستان بازداشت و به بازداشتگاه اداره اطلاعات گرگان منتقل شدند.

چکیده اخبار ماه گذشته

اصلاح: عادل مجللی فومنی ملی پوش بندر ترکمنی قایقرانی ایران با مثبت اعلام شدن دوپینگ نمایندگان روسیه و قزاقستان، به سهمیه المپیک رسید و تعداد نمایندگان گلستان را در ریو به عدد چهار رساند. عادل مجللی مقدم فومنی متولد ۱۳۷۲ در بندرترکمن است و مدال طلای مسابقات آسیایی تهران در رشته کانو انفرادی ۵۰۰۰ متر در سال ۲۰۱۱؛ مدال طلا و برنز مسابقات آسیایی سمرقند در رشته کانوی انفرادی ۱۰۰۰ و ۵۰۰۰ متر در سال ۲۰۱۳ و مدال برنز مسابقات آسیایی اینچئون کره جنوبی در رشته کانو ۲۰۰متر را در کارنامه ورزشی دارد.

ایلنا: علی مطهری نایب رییس مجلس شورای اسلامی که ریاست جلسه علنی روز دوشنبه ۲۵ مرداد را بر عهده داشت، با وارد دانستن تذکر عثمانی مبنی بر اهانت صداوسیما به افراد مورد احترام اهل سنت در برنامه دور همی خاطرنشان کرد: توهین به افراد مورد احترام اهل سنت کار زشتی است و صداوسیما باید عذرخواهی کند. مقام معظم رهبری هم در سفری که به کردستان داشتند توصیه کردند که به افراد مورد احترام اهل سنت توهین نشود.

کمپین فعالین بلوچ: عبدالرحمن سیریازهی طلبه ای جامعه الحرمین چابهار که از تاریخ ۱۷ مرداد مفقود شده بود سر از وزارت اطلاعات در آورد. حافظ عبدالرحمن سیریازهی فرزند عبدالوهاب که چند روز پیش مفقود شده بود در تماسی چند لحظه ای به خانواده گفته است: " جای من امن است پریشان نباشید" یک منبع مطلع به فعالین بلوچ گزارش داده که: " وزارت اطلاعات در تماسی به خانواده گفته است که عبدالرحمن سیریازهی پیش ما است"
این طلبه جامعه الحرمین چابهار ساکن کوه ون ۱۷ مرداد پس از خارج شدن از خانه جهت خرید نان مفقود شده بود که پس از انتشار خبر کمپین فعالین بلوچ در مورد مفقود شدن ناگهانی وی نامبرده طی تماسی از بازداشت خود خبر داده است.

هرانا: مولوی امان الله بلوچی و حافظ عبدالرحیم کوهی دو روحانی سنی مذهب همچنان در زندان مرکزی زاهدان در بلاتکلیفی به سر می برند و برای سومین بار بازداشت موقتشان تمدید شد!! مولوی امان الله در ملاقات با خانواده خود گفته است، هر زمان که از بازپرس پرونده پرسیدیم چرا ما را به دادگاه نمی برید در جواب گفتند (هنوز در حال تحقیق هستیم)".این دو زندانی در تاریخ ۲۸ اسفند ۱۳۹۵ از بازداشتگاه سپاه به

چکیده اخبار ماه گذشته

زندان مرکزی زاهدان منتقل شدند.

فعالان اهل سنت ایران: در پی انتشار بیانیه کاک حسن امینی حاکم شرع مردمی کردستان در اعتراض به اعدام دسته جمعی ۲۲ زندانی عقیدتی اهل سنت و تعزیت به خانواده آنانبه وزارت اطلاعات احضار شد.

انواروب: دکتر جلیل رحیمی نماینده محترم مردم شریف تربت جام، تایباد و باخرز توهین مهران مدیری در برنامه دورهمی به اصحاب و یاران پیامبر ـ صلی الله علیه و سلم ـ را «نشانه جهالت و عدم اطلاع ایشان از تاریخ اسلام» و «نوعی نابخردی و جهالت» دانست و نوشت : این افراد «باید تحت پیگرد قضایی» قرار گیرد.
وی همچنین قول داد: مساله توهین برنامه دورهمی را در اسرع وقت انجام خواهد داد.

سنی آنلاین: مولانا محمدانور سیدزاده، مدیر مدرسه‌ی دارالفیوض روستای حقّ‌آباد در دهستان پَس‌کوه شهرستان سراوان شنبه‌شب (۱۶ مرداد ۱۳۹۵)، در یک سانحه رانندگی با سه تن از همراهانش در محور سیب‌وسوران–مهرستان به دیار باقی شتافت.

کمپین فعالین بلوچ: مولوی ساداتی امام جمعه سراوان: وضعیت زندگی در سیستان و بلوچستان تکان دهنده است.
امام جمعه اهل سنت سراوان در خطبه های نماز جمعه ۸ مردادماه ۹۵ در رابطه با مفاسد و مفسدان اقتصادی گفت: کسانیکه مرتبط با فساد اقتصادی، غارتگری، دزدی و اختلاس از بیت المال اند به ثبوت رسیده در هر پست و سمتی باشند دشمن کشور و مردم هستند و خواهانند که این دشمنان ملت مورد مواخذه قانونی قرار گیرند و اموال مسروقه به بیت المال برگردادنده شود و با بیان اینکه مفسدان اقتصادی دشمن ملت و کشورند، با اشاره به منابع و ذخایر فراوان کشور و اینکه در جهت معیشت و اقتصاد اقدام عملی صورت نگرفته، وضعیت زندگی در سیستان و بلوچستان را تکان دهنده توصیف کرد.

سنی‌آنلاین: فراکسیون نمایندگان اهل‌سنت مجلس در این تذکر که در جلسه یکشنبه (۲۴ مرداد) مجلس مطرح شد، ضمن تاکید بر «برخورد جدی با عوامل تولید و مجری برنامه ”دورهمی“» که در شبکه‌ی ”نسیم“ به صحابه پیامبر اهانت کردند، خواستار «دقت در پیشگیری از اهانت به بزرگان اهل‌سنت» شد.



نحوه ارسال مقالات به نشریه

خوانندگان گرامی می توانند مقالات خود را با دارا بودن مشخصات ذیل برای ما ارسال دارند:

۱ – مقالات ارسالی نباید پیش از این در جایی منتشر یا ارائه شده باشد.

۲– مقالات باید تحقیق نگارنده و از جایی کپی برداری نشده باشد.

۳– مقالات باید روان و کاربردی و مناسب با جامعه اهل سنت ایران تهیه شده باشد.

۴– مقالات حداقل در ۴ و حداکثر ۶ صفحه A4 در محیط ورد نگاشته شود.

۵– در صورت استناد به مرجعی، در پانویس مشخصات کامل مرجع نوشته شود. نام کتاب، نویسنده، مترجم، محل چاپ، سال چاپ، انتشارات، جلد و صفحه.

۶– مقالات باید دارای محتوای مناسب و مشخصات نگارنده باشد. (برای افراد داخل ایران نام مستعار پذیرفته می شود در صورتی که نام اصلی خود را به مجله بیان دارند.)

۷– بهتر است مقاله با فونت B Nazanin سایز ۱۴ نوشته شود. چون اساس فونت مقالات نشریه است.

۸– خوانندگان عزیز می توانند مقالات خود را تا بیستم هر ماه به ایمیل نشریه ارسال نمایند.

۹ – هیچ گونه توهینی به اشخاص و مذاهب دینی اهل سنت در مقاله صورت نگیرد.

ماهنامه ی راوی حق ویرایش و تلخیص مطالب را برای خود محفوظ می دارد.

مقالات دریافتی بعد از تایید اعضای هیئت تحریریه و نقد و بررسی در ماهنامه منتشر خواهد شد.

ارتباط عاطفی

من درد مشترکم
مرا فریاد کن
ای دیر یافته با تو سخن می گویم
بسان ابر که با توفان
بسان علف که با صحرا
بسان باران که با دریا
بسان پرنده که با بهار
بسان درخت که با جنگل سخن می گوید
زیرا که من
ریشه های تو را دریافته ام
زیرا که صدای من
با صدای تو آشناست ...

نشریه ی راوی می خواهد تا روایت گر درد تمامی شما باشد.

خوانندگان عزیز و علاقه مندان، صفحات سپید نشریه ی راوی چشم انتظار ارسال دل نوشته ها، خاطرات کوتاه تلخ و شیرین و یا هرگونه مطلب دیگر از شما هست. پیشاپیش دستان گرمتان را می فشاریم.

راه های ارتباط با ما:


کانال تلگرام راوی: @ravi_mag


صفحه فیس بوک راوی: www.facebook.com/ravi.magz


صفحه اینستاگرام راوی: www.instagram.com/ravi.mag


آدرس ایمیل راوی: ravi.mag@hotmail.com

شهرام و دوستانش

گل های باغ نبوت بودند که

توسط لاشخورها پرپر شدند

شـــهرام و یارانـــش بـــا خـــون پاکشـــان شیشـــه

عمـــر دیـــو زشـــت و ســـیاهی را شکســـتند.

بگذارید ستاره های ما را از آسمان فرو کشند ! با خاموش شدن

هر ستاره ،هزاران ستاره دیگر فروزان تر طلوع خواهند کرد.

اینـــان اولیـــن قربانـــی هـــای ضحـــاک مـــاردوش نبـــوده امـــا امیدواریـــم

آخریـــن باشـــند.

خفاشان شب که تحمل کوچکترین شعاع نور ندارند باید منتظر

طلوع فروزان و فراگیر خورشید تابان باشند.